

ماهیت حقوقی و نحوه ارزیابی زیان به زیبایی ناشی از صدمه بدنی

عباس میرشکاری* فاطمه سادات حسینی**

چکیده

نظر به اهمیتی که امروزه عرف جامعه برای مقوله زیبایی قائل است، زیان وارد بر آن زیان مستقلی محسوب می‌شود که صرف‌نظر از صدمه به جسم انسان، آثار مالی و غیرمالی متعددی برای زیان‌دیده به وجود می‌آورد. گاهی امکان اشتغال در مشاغل معینی به واسطه این زیان از زیان‌دیده سلب می‌شود و این علاوه بر خسارت‌های مربوط به هزینه‌های درمان است. در کنار این خسارت‌های مالی، درد و رنج، از دست دادن لذات زندگی و اختلال‌های عصبی مهم‌ترین عناوین زیان معنوی هستند که در اثر ورود صدمه به زیبایی فرد به وجود می‌آید. از بررسی حقوق آمریکا و انگلیس این‌طور برداشت می‌شود که خسارات وارد بر زیبایی قابل جبران هستند. مسئله اصلی پژوهش پیش‌رو آن است که آیا زیان وارد بر زیبایی می‌تواند به‌عنوان یک زیان مستقل در نظر گرفته و به تبع آن جبران شود. اگر این‌طور باشد با وجود نهاد دیه در نظام حقوقی ما و تمام مباحثی که راجع به خسارات مازاد بر دیه مطرح بوده و هست، زیان وارد بر زیبایی که در اثر صدمه به بدن ایجاد می‌شود چه وضعی خواهد داشت و ارزیابی آن چگونه خواهد بود. به نظر می‌رسد با توجه به ماهیت و اهمیت کنونی زیان به زیبایی و به خصوص امکان اعاده زیان‌دیده به حالت سابق که ضرورت آن از متون فقهی هم قابل برداشت است، مطالبه این خسارات و جبران آن‌ها دور از ذهن نیست. ضمناً راهکارهایی برای ارزیابی وجود دارد که در خسارات مالی و معنوی می‌تواند متفاوت باشد.

واژگان کلیدی: ارزیابی زیان، ارش، دیه، خسارت بر درآمد، زیان به زیبایی، هزینه‌های پزشکی.

Mirshekari.abbas1@yahoo.com

*استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تهران، تهران ایران،

**دانش‌آموخته دکتری حقوق خصوصی، دانشگاه تهران، ایران، Hosseini.fatemesadat@yahoo.com

سرآغاز

زیبایی از جمله دلکش‌ترین پدیده‌های هستی است و انسان با درک ابعاد گوناگون آن، همواره مجذوب و در پی آن بوده است (یوسفیان، ۱۳۷۹: ۱۳۶). به هر صورت، «با آن‌که جستجو و سعی دانشمندان در پیدا کردن تعریفی برای زیبایی از آغاز تاریخ تاکنون بوده است و با وجود مساعی فلاسفه از افلاطون و ارسطو تا دکارت و کانت و هگل، تعریف زیبایی هنوز به دست نیامده است. در محیط قضایی نیز به تعریف جامع و مانعی برای آن نرسیده‌اند، گرچه حدود زیبایی را در احساس زیبایی تعبیر کرده‌اند» (میرسپاسی، ۱۳۴۷: ۲۳).

قابل انکار نیست که زیبایی حس خوب و دل‌نشینی در ذهن انسان ایجاد می‌کند. زیبایی ظاهر انسان هم که در جسم او متبلور می‌شود همین کارکرد را دارد. در همه فرهنگ‌ها زیبایی جزء مفاهیم خواستنی بوده و انسان‌ها همیشه در جستجوی کسب زیبایی‌ها بوده و بسته به جامعه‌ای که در آن بودند و فرهنگ، ارزش‌ها و هنجارهای حاکم بر آن و همچنین امکانات خویش، ابزارها و راهکارهای مختلفی را برای دستیابی به زیبایی استفاده می‌کرده‌اند. به‌خصوص در شرایط کنونی، پیشرفت علم پزشکی و ابزارها و تجهیزات مربوط به آن، انسان را در رسیدن به این هدف یاری کرده و نه تنها در ترمیم زیبایی از دست‌رفته به واسطه سوانح یا خلقت ذاتی، بلکه حتی در تکمیل زیبایی موجود کمک کرده است (نقیبی و کلهرنیا گلکار، صدر طباطبایی، ۱۳۹۴: ۷۹).

زیان به زیبایی ممکن است در اثر عواملی نظیر تغذیه نامناسب، آب‌وهوای نامساعد و نیز فشارهای عصبی و استرس‌های زندگی روزمره و گاهی هم در اثر خسارات معنوی وارد بر فرد و اندوه ناشی از آن ایجاد شود؛ اما آنچه در این نگارش به آن می‌پردازیم زیان به زیبایی به معنای مذکور نیست. آنچه ما در پی آنیم مطالعه جنبه‌ای خاص از خسارات بدنی است. «امروزه خسارت بدنی فقط مثلاً خسارت از دست دادن عضو نیست، بلکه تمام آثار مالی و معنوی نشئت‌گرفته از آن نیز به‌عنوان عناصر خسارت بدنی به حساب می‌آیند. در واقع خسارت بدنی مجموعه‌ای از خسارت‌های مالی و معنوی است که به دلیل تحولات جوامع، علوم و مشاغل، سبک زندگی و تغییر

جایگاه انسان‌ها گستره‌ی وسیع‌تری نسبت به یک خسارت ساده از دست دادن عضو یا نقصان منفعت پیدا کرده است» (حسینی، ۱۳۹۸: ۲).

یکی از آثار مهمی که در پی خسارت بدنی ممکن است ایجاد شود، زیان وارد بر زیبایی است؛ یعنی صدمه وارد بر جسم چنان است که ظاهر فرد را تغییر می‌دهد، مثلاً رنگ پوست را تغییر می‌دهد یا شکل اعضای بدن را عوض می‌کند. به هر حال این صدمه وضعیتی ایجاد می‌کند که فرد ظاهر پیشینش را ندارد و چیزی به نام زیبایی را از دست داده است. تصور کنید در یک تصادف چشمان زیان‌دیده نابینا شده و به دلیل شدت ضربه ظاهر خود را نیز از دست داده است. اینجا علاوه بر بینایی، زیبایی زیان‌دیده هم از بین رفته است. این زیان هم جنبه مادی و هم جنبه معنوی دارد. به خصوص به دلیل پیشرفت‌های پزشکی و امکان انجام درمان‌های ترمیمی این پرسش مطرح می‌شود که امکان بهره‌برداری از این امکان نوین وجود دارد تا بتوان آثار مالی و معنوی پیامد آن را مرتفع کرد یا باید به دیه بسنده کنیم؟ زیرا می‌دانیم که میزان دیه در شرع مشخص شده و ضمناً زیبایی به‌عنوان یک منفعت مستقل در نظر گرفته نشده است. در صورتی که صرفاً قائل به دیه شویم نمی‌توان امید چندانی به جبران زیان وارد بر زیبایی داشت، زیرا ترمیم زیبایی صرف‌نظر از ترمیم نقص عضو اغلب هزینه‌های گزافی دارد؛ اما اگر به دیه بسنده نکنیم این امید وجود دارد که این نوع زیان نیز قابلیت جبران بیابد.

در این‌که آیا زیبایی زیان مستقلاً محسوب می‌شود یا خیر، نقش عرف بسیار مهم و تأثیرگذار است. به عنوان مثال ممکن است در هر جامعه زیبایی به شکلی تعریف شود یا علاوه بر آن اهمیتی که جامعه برای زیبایی قائل است، در حجم ناراحتی فقدان زیبایی و تمایل به ترمیم یا تکمیل نقاط ضعف مؤثر باشد؛ بنابراین در تعیین زیبایی و ابعاد آن از مراجعه به عرف بی‌نیاز نخواهیم بود.

در خصوص زیان‌های وارد ناشی از صدمات بدنی و نحوه جبران آن‌ها پژوهش‌های بسیاری صورت گرفته و به خصوص به خاطر بحث‌های مربوط به ارتباط

دیات با خسارت‌های بدنی سوابق پژوهشی متعددی در نظام حقوقی ما وجود دارد که به ابعاد متفاوت این موضوع پرداخته‌اند. به عنوان مثال مقالات با ارزش «جبران خسارات ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسئولیت مدنی ایران» (بابایی، ۱۳۸۹)، «بررسی خسارات ناشی از آسیب بدنی در حقوق مدنی ایران» (نصراکن و محمدرضاپور اوزان و مولایی، ۱۴۰۰)، «جبران خسارات ناشی از صدمه بدنی در حقوق ایران و انگلیس» (دیانی و براهیم باستانی، ۱۳۹۶)، «نگرشی بر میزان جبران خسارات بدنی با رویکرد مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران، فرانسه و انگلستان» (ایزانلو و همکاران، ۱۴۰۰) به اصل جبران خسارات بدنی در نظام حقوقی ما و نیز تاثیر دیات در جبران خسارت مذکور پرداخته‌اند. لیکن در مورد زیان بر زیبایی، ارزیابی و جبران آن پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. تحقیق پیش‌رو در این زمینه نوآوری دارد؛ به‌خصوص آن‌که در مورد نحوه ارزیابی زیان مذکور نیز متضمن راهکار است.

بنابراین آنچه در این مجال در پی بررسی آن هستیم مفهومی از زیبایی است که مربوط به ظاهر اولیه فرد است که در صورت ایراد صدمه بدنی به فرد از بین می‌رود یا از آن کاسته می‌شود. به عنوان مثال، باقی ماندن جای زخم‌های ایجادشده از صدمه، تغییرات شکلی نظیر انقباض عضلانی، کوتاهی اندام و حتی پیدایش تیک‌های عصبی (میرسپاسی، ۱۳۴۷: ۲۶) از جمله مصادیق است. ضمناً منظور ما از زیبایی اولیه، وضعیتی است که فرد پیش از ورود صدمه داشته؛ خواه زیبایی خدادادی و طبیعی بوده و خواه درجه‌ای از زیبایی که پیش از صدمه، زیان‌دیده برای خود به وجود آورده بوده است. ضمناً در پی ورود هر صدمه بدنی و عارض شدن آثار آن، ممکن است علاوه بر زیان‌دیده اصلی، افراد دیگری نظیر والدین، همسر و فرزندان زیان‌دیده نیز از آن ضرر متأثر شوند. خسارت‌های این‌چنینی که در حقیقت خسارات بازتابی و نیازمند مطالعه مفصل هستند، موضوع سخن ما در این پژوهش نبوده و صرفاً به زیان‌دیده اصلی خواهیم پرداخت.

به منظور مطالعه موضوع، ابتدا مفهوم زیان به زیبایی در عرف و حقوق و قلمرو آن و سپس قابلیت مطالبه آن و در نهایت روش جبران و ارزیابی مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.

۱. مفهوم و قلمرو زیان به زیبایی

در این قسمت ابتدا مفهوم عرفی زیان به زیبایی و ماهیت حقوقی آن مطالعه می‌شود تا بدانیم اساساً چنین زانی ممکن است به عنوان خسارت مستقل مطرح شود یا خیر. سپس قلمرو زیان مزبور بررسی می‌شود.

۱-۱. مفهوم عرفی و ماهیت حقوقی زیان به زیبایی

زیبایی در عین حال که مفهوم روشنی به نظر می‌رسد، به راحتی قابل تعریف نیست. می‌توان مدعی شد مفهوم زیبایی بسته به هر دوره و هر جامعه به لحاظ اهمیت یکسان نیست. «ارزش و توجه به زیبایی مسئله‌ای جاری است که اختصاص به مردمان خاص، فرهنگ خاص و یا تاریخ خاصی ندارد، بلکه با وجود نسبی بودن از جمله مقوله‌هایی بوده که تمام افراد با دیدگاه‌ها، فرهنگ‌ها و جایگاه‌های مختلف، هنگام ورود به آن از نوعی توافق و هماهنگی برخوردارند» (بهمن‌پوری، ۱۳۹۸: ۳۰).

حال پرسش اساسی این است که آیا آسیب به زیبایی را می‌توان به عنوان زیان قابل مطالبه معرفی کرد. به بیان دیگر، آیا زانی که بر زیبایی افراد وارد می‌شود و باعث نقصان در زیبایی طبیعی یا از بین رفتن آن و زشت شدن یا بدشکل شدن فرد می‌شود، در جامعه امروزی ما در مفهوم حقوقی ماهیت خسارت به معنای واقعی و قابلیت جبران را دارد یا خیر. اگر آن را ماهیتاً خسارت ندانیم اساساً بحث جبران پیش نمی‌آید. در فقه، زیبایی منفعت مستقل شمرده نشده و شاید دلیل آن است که نباید به آن اهمیت مضاعف داد و در شریعت مقدس بیش از زیبایی ظاهر باید به باطن توجه کرد؛ اما بر اساس واقعیت‌های اجتماعی و گرایش فزاینده مردم به سمت زیبایی حتی با تغییر ظاهر موجود و به امید اصلاح، نمی‌توان کسی را که زیبایی‌اش در اثر رفتار دیگری از

بین رفته زیان دیده ندانیم یا زیانش را مستقل نشماریم (حاجی تبار و موسوی شیخ، ۱۳۹۵: ۷۶). چنان‌که در خصوص مشروعیت جراحی‌های زیبایی علی‌رغم اختلاف نظر در صورت ضرورت عرفی، این موضوع پذیرفته شد (حجازی و بداعی، ۱۳۹۴: ۱۴۵) و حتی برخی فقهای امامیه جراحی صرفاً زیبایی را نیز با شرایطی جایز می‌دانند (حجازی و بداعی، ۱۳۹۴: ۸۴).

بنابراین پاسخ به پرسش موردنظر ما باید با توجه به این تغییرها و بر اساس واقعیت‌های اجتماعی باشد؛ به عبارت دیگر این‌که چه چیز زیان است تا حد زیادی به عرف نیز بستگی دارد.

در مطالعه تطبیقی با برخی از نظام‌های حقوقی می‌بینیم که تعریف مشخصی از زیبایی وجود ندارد و شاید دلیل آن بدیهی بودن مفهوم زیبایی یا عرفی بودن آن است. با این حال در حوزه مسئولیت مدنی از آن زمان که جبران چنین زیان‌هایی مطرح شده، یکی از اقسام زیان معنوی ناشی از صدمه بدنی را بدون تردید زیان وارد بر زیبایی دانسته‌اند (Borgetti, 2015: 270).

در دکترین حقوقی ما در تعریف ضرر گفته شده هر جا نقصی در اموال ایجاد شود یا منفعت مسلمی از بین برود یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخص لطمه‌ای وارد آید، می‌گویند ضرری به بار آمده است. زیان به سه دسته مادی، معنوی و بدنی تقسیم شده است (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۹۷). زیان وارد بر زیبایی به دلیل این‌که در اثر تعدی به جسم انسان ایجاد شده زیان بدنی محسوب می‌شود. در حقیقت امروز زیان وارد بر زیبایی از یک سو با توجه به نقشی که عرف برای آن قائل است و اهمیتی که جلوه‌گری در اجتماع و حتی مشاغل یا کسب درآمد دارد (میرشکاری، ۱۳۹۸: ۵۲۴) و از طرف دیگر قابلیت برگرداندن زیبایی در مواردی یا دست‌کم تقلیل آثار بد شکل شدن و همچنین پذیرش امکان بازگرداندن قسمتی از خرسندی از بین رفته با پرداخت مبلغی پول، زبانی واقعی و مستقل محسوب می‌شود (Stolker, 1999: 82).

به علاوه برای این که بدانیم زیان وارد بر زیبایی زبانی مستقل است یا خیر باید به عرف توجه کنیم. در حقیقت ممکن است زیبایی جلوه‌های متفاوتی در اذهان داشته باشد، از این رو در تشخیص این که چه چیز زیبایی است و آیا زیان به آن مستقل به حساب می‌آید یا نه، عرف نقش بنیادین دارد. پس می‌توان گفت در حقوق ما نیز از دست دادن زیبایی به حکم عقل و عرف زیان مستقل تلقی می‌شود.

حال که آسیب به زیبایی را به عنوان زیان به رسمیت شناختیم، باید ببینیم این زیان را می‌توان در قالب کدام یک از اقسام زیان قرارداد: زیان را در یک دسته‌بندی کلی به سه دسته مالی، معنوی و بدنی تقسیم می‌کنند. طبیعتاً، با توجه به این که آسیب به زیبایی بر اثر آسیب به بدن انسان پیش می‌آید، این زیان را باید در دسته زیان‌های بدنی قرار داد، زیرا زیان بدنی، زبانی است که به سلامت شخص وارد می‌شود و هر دو چهره مادی و معنوی را داراست (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۹۹). بر همین اساس نیز، زیان به زیبایی در درجه اول، زیان بدنی است. با این حال، نباید فراموش کرد که به تبع و به همراه آسیب به زیبایی، زیان‌های دیگری نیز پدید می‌آید؛ برای نمونه، ممکن است درآمد فرد کاسته شود، نیاز به درمان پیدا کند، شخص عزت نفسش را از دست بدهد و گوشه‌گیر بشود. این آسیب‌ها، در واقع، قلمروی زیان به زیبایی را نشان می‌دهد که در ادامه به آن‌ها خواهیم پرداخت.

۱-۲. قلمرو زیان بر زیبایی

در زیان وارد بر زیبایی، زیان‌دیده زیبایی طبیعی‌اش که موهبتی الهی است را از دست می‌دهد یا از زیبایی او کاسته می‌شود. در این زیان، از یک سو با خسارت مالی زیان‌دیده در درمان و ترمیم ضایعه مواجهیم، از سوی دیگر ممکن است زیان‌دیده به واسطه فقدان زیبایی یا کمال آن، امکان اشتغال در برخی مشاغل را از دست بدهد. از بین بردن زیبایی یک شخص علاوه بر زیان مالی، زیان غیرمالی نیز در پی دارد؛ دردی که در اثر ورود صدمه بدنی به زیان‌دیده وارد می‌شود، رنجی که او از تغییر چهره یا بدنش دچار می‌شود، اعتماد به نفسش کاهش می‌یابد و شاید زندگی اجتماعی و حتی خصوصی او

تحت الشعاع قرار بگیرد و او را به سمت انزوا، افسردگی و ناراحتی‌های روحی و اختلال‌های روانی پیش ببرد. این‌ها مصادیقی از زیان‌های معنوی است که زیان‌دیده در از دست دادن زیبایی دچار می‌شود. این دو عنوان اصلی زیان در ادامه مطرح می‌شود.

۱-۲-۱. مفهوم و مصادیق آثار مالی

زیان به زیبایی، ممکن است آثار مالی فراوانی برای فرد داشته باشد. در درجه نخست وی باید هزینه درمان را بپردازد؛ قابل توجه است که به واسطه پیشرفت پزشکی و پیوندهای پوستی و گسترش جراحی‌های زیبایی در جهت بازیابی زیبایی اولیه یا حتی اصلاح ظاهر موجود (عباسی و کلهرنیاگلکار و رضایی‌یکدانگی، ۱۳۹۱: ۱۳) در بسیاری از موارد می‌توان تا حد زیادی زیبایی ازدست‌رفته را به زیان‌دیده بازگرداند گرچه هزینه‌گزافی در پی دارد.

به‌علاوه، ممکن است فرد تمام یا بخشی از درآمدش را هم از دست بدهد یا از امکان اشتغال به مشاغل در آینده محروم شود. در این خصوص البته مصادیقی از مشاغل مدنظر هستند که زیبایی در آن‌ها قانوناً یا عرفاً تأثیرگذار است، مانند بازیگری، مهمان‌داری، فعالیت‌های تبلیغاتی، اجراهای زنده یا تلویزیونی. در اثر زیان به زیبایی ممکن است زیان‌دیده برای همیشه یا تا مدتی نتواند به شغل سابق خود بپردازد. به‌علاوه، قابلیت و فرصت اشتغال در آینده نیز می‌تواند مطرح باشد؛ به این معنا که کسی دچار صدمه شود که گرچه هنوز وارد مشاغل پیش‌گفته نشده، لیکن علاقه و یا زمینه حضور در آن‌ها را داشته یا در حال تحصیلات مرتبط بوده و به‌رحال به دلیل زیان وارده امکان اشتغال را از دست می‌دهد. در یکی با سابقه اشتغال مواجهیم و در برآورد خسارت، دشواری تنها در تخمین آینده و احتمالات آن است، درحالی‌که در مورد اخیر فقط قابلیت اشتغال وجود دارد و همه چیز مبتنی بر حدس و احتمال است (Brennan & Hennessy, 2016: 533).

در خصوص درآمد آینده این ملاحظه صورت می‌گیرد که زیان‌دیده با توجه به آنچه مطابق قدرت و توانایی او بود چه درآمدی را می‌توانست به دست آورد. در این مورد

سابقه فعالیت‌های او و سایر شرایط تطبیقی می‌تواند مبنای عمل قرار گیرد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت اولین قدم در محاسبه خسارت درآمدی که در آینده به‌واسطه صدمه بدنی از دست می‌رود، ارزیابی ضرر احتمالی نسبت به قابلیت کسب درآمدی است که خواهان در اثر ورود صدمه از دست داده است (Cane, 2006: 145). به نظر می‌رسد محاسبه خسارت وارده تا زمان دادرسی بر اساس مدارک موجود در ارتباط با شغل پیشین زیان‌دیده انجام و در مورد خسارت مربوط به آینده که بحث قابلیت اشتغال و احتمالات پیش‌رو مطرح است، راهکارهای متفاوتی در نظام‌های حقوقی به کار گرفته می‌شود (Barrie, 2005: 427-428).

توجه داشته باشیم که موضوع بحث خسارتی است که به لحاظ از بین رفتن زیبایی بر اشتغال فرد وارد شده است، زیرا در اغلب خسارات بدنی زیان‌دیده به دلیل ناتوانی‌های جزئی یا کلی برای مدتی موقت یا همیشه از کار محروم می‌شود (حسینی و بادینی، ۱۳۹۸: ۱۳۴)؛ اما در زیان وارد بر زیبایی ممکن است زیان‌دیده از اشتغال به مشاغل منحصر محروم شود، در حالی که امکان کار در مشاغل دیگری برای فرد وجود داشته باشد. تفاوت در این است که وقتی زیان‌دیده امکان اشتغال در مشاغل دیگری داشته باشد، باید در راستای وظیفه کاستن از خسارت عمل کند و تنها برای مطالبه مابه‌التفاوت محق است (حسینی و بادینی، ۱۳۹۸: ۱۳۷).

۱-۲-۲. مفهوم و مصادیق آثار معنوی

خسارت معنوی به‌عنوان عنصری از زیان بدنی است که راجع به درد و رنج فیزیکی و روحی، اختلال‌های روانی، کاهش رضایت از زندگی، کاهش طول عمر، کاهش لذت‌های زندگی و به‌طور کلی درد و رنج و ناراحتی را دربرمی‌گیرد. خسارت معنوی در حقیقت مربوط به زیان‌هایی است که ارزش تجاری یا معادل اقتصادی ندارند و یکی از مهم‌ترین دغدغه‌ها در تعیین و ارزیابی آن‌ها، یافتن معیار مناسب برای برآورد خسارت است (Zavos, 2009: 193).

پیش‌تر در ضرورت جبران زیان‌های معنوی تردید وجود داشت و مهم‌ترین دلیل عدم قابلیت ارزش‌گذاری به پول در این خسارات بود (Hernandez, 2002: 24)؛ اما امروز نظر اغلب نظام‌های حقوقی بر این است که هدف نظام مسئولیت مدنی در حوزه خسارت معنوی با خسارت مالی متفاوت است و در خصوص زیان‌های معنوی تلاش در جهت خشنود ساختن و اجرای نسبی عدالت است (Munkman, 1973: 121-183). در نهایت ضرورت جبران خسارت‌های معنوی در بسیاری از نظام‌های حقوقی پذیرفته شد و تفاوت‌ها در نحوه ارزیابی و حدود جبران زیان است (Lambert, 2000: 165 & Abel, 2018: 329).

دردی که فرد در اثر صدمه می‌کشد، رنجی که به لحاظ روانی متحمل می‌شود، فشارهای عصبی و اختلال‌های روانی نظیر افسردگی و فقدان اعتماد به نفس که دامن‌گیر او می‌شود، محروم ماندن از فعالیت‌ها و لذت‌های زندگی مثل شرکت در اجتماع، مهمانی‌ها، تغییر برخی جنبه‌های خصوصی زندگی فرد مثل روابط جنسی، کاهش سطح رضایت‌مندی از زندگی، نمونه‌هایی از زیان معنوی ناشی از لطمه به زیبایی است (Karns, 1990: 707).

در خصوص جبران زیان‌های معنوی در نظام حقوقی ما فراز و نشیب بسیار بوده و مخالفان و موافقان در پی اثبات نظرات خود دلایلی آورده‌اند (اصغری آق مشهدی، ۱۳۸۲: ۴۰). به نظر می‌رسد تمایل رویه قضایی متناسب با نیاز جامعه به سمت پذیرش جبران است (میرشکاری، ۱۳۹۷: ۸۵). تصویب ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ نیز ضرورت جبران زیان معنوی را نشان می‌دهد.

۲. قابلیت مطالبه زیان به زیبایی

حال که دانستیم زیان به زیبایی هم به لحاظ عرفی و هم به لحاظ حقوقی می‌تواند خسارت مستقلی تلقی شود، باید راجع به قابلیت مطالبه آن سخن بگوییم.

۲-۱. قابلیت مطالبه زیان به زیبایی در فقه

در فقه در باب دیات بحث مستقلی برای از دست رفتن منفعت زیبایی وجود ندارد، باین حال، نمی توان نظام حقوقی اسلام را به طور کلی، بی توجه به این موضوع دانست. از بررسی کتب فقهی برمی آید که در برخی موارد به منفعت زیبایی توجه و با توجه به تأثیری که عضو در زیبایی فرد دارد، میزان دیه او تعیین شده است. برای نمونه، برای قطع هر یک از سوراخ های بینی با توجه به منفعت زیبایی هر یک از آنها، فقها، قائل به نصف دیه شده اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۳۱). این امر در تعیین میزان دیه اعضایی که عمدتاً کارکرد زیبایی دارند، قابل مشاهده است. در واقع، تعیین دیه در مورد اعضایی مانند موی سر، ابرو، مژه که منفعت زیبایی آنها بیشتر از سایر کارکردهای احتمالی آنها است (شهید ثانی، ۱۴۱۲: ۴۳۱ و حلی، ج ۵، ۱۴۰۷: ۳۳۵)، از همین جهت قابل تفسیر است.

جدا از این دسته از اعضا، درباره سایر اعضایی که عموماً کارکرد آنها مهم تر و قابل توجه تر از منفعت زیبایی آنهاست هم می توان نشانه هایی از توجه فقها به کارکرد زیبایی و تأثیر آن در میزان غرامت را دید. برای نمونه، گفته شده اگر آسیب وارده به گونه بهبود یافته و اثری از آن باقی نماند، دیه آن پنجاه دینار است ولی اگر در آن، شکافی ایجاد شود که از آن حفره دهان دیده شود، دیه آن صد دینار و اگر صدمه به شکلی باشد که کام هم آشکار شود، میزان دیه به ۱۵۰ دینار افزایش می یابد. علاوه بر این ها، اگر این صدمه باعث بدشکل شدن صورت شود، دیه آن معادل دیه موضعه خواهد بود. (ابن بابویه، ۱۴۰۶: ۳۱۷؛ مجلسی دوم، ۱۴۰۴: ۱۳۱) بنابراین، چنان که می بینیم همراه با اثری که آسیب وارده در از دست رفتن زیبایی فرد داشته، میزان دیه نیز افزایش یافته است، در همین مسیر، به دیده شدن اندام های داخلی و حتی درجه بدشکل شدن و باقی ماندن اثر جراحی توجه شده است. ضمن آن که حتی بدشکل شدن عضو صراحتاً مورد تأکید قرار گرفته است.

در نمونه ای دیگر، فقها بر تعلق یک دیه کامل برای مجموع دو لب اتفاق نظر دارند، اما اکثر قریب به اتفاق ایشان، دیه لب بالا را یک سوم دیه کامل و دیه لب پایین را

دوسوم دیه کامل می‌دانند، زیرا لب پایین به لحاظ نگه‌داشتن آب و خوراکی مؤثرتر است و حتی بر اثرگذاری بیشتر آن بر زیبایی تصریح شده است و به واسطه منفعت بیشتر، دیه بیشتری برای آن در نظر گرفته‌اند. در مورد شکافته شدن لب نیز، اگر به شکلی باشد که دندان‌ها را نپوشاند، در صورت بهبود نیافتن یک‌سوم دیه و در صورت بهبود، یک‌پنجم دیه در نظر گرفته شده است (صیمری، ۱۴۲۰، ج ۴: ۴۴۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۹: ۴۴۷)؛ بنابراین گرچه به زیبایی عضو مذکور توجه شده، لیکن تمرکز بر کارایی دیگر آن است؛ به عبارت دیگر کارکرد و منفعت اصلی لب در نگه‌داشتن غذا و بلعیدن آن دانسته شده و به صرف زیبایی تصریح نشده است، چنان‌که به لحاظ منفعت مذکور و نه زیبایی دیه لب پایین را بیشتر می‌دانند.

در دیه ناخن گفته شده که اگر ناخن کنده شود و نروید یا سیاه بروید ده دینار دیه دارد. ناخنی که سیاه بروید، از حیث کارکرد، احتمالاً تفاوتی با ناخن معمولی ندارد، باین حال، دیه آن برابر با حالتی است که اصلاً ناخنی نرویده باشد. به نظر می‌رسد این همسانی، بیشتر به کارکرد زیبایی‌شناسانه ناخن مربوط می‌شود، زیرا ناخن ولو سیاه‌شده کارکردهای عادی را دارد و احتمالاً از بابت زیبایی مؤثر در میزان دیه شده است. تفاوت از بین رفتن ناخن شست با ناخن سایر انگشت‌ها نیز با همین منطق قابل‌درک است (اسکافی، ۱۴۱۶: ۳۶۰؛ حلی، ۱۴۰۴: ۵۰۲).

در مورد تغییر رنگ دندان، ولو کنده نشود و سایر منافع آن باقی بماند ارش در نظر گرفته شده است. با این حال، نکته جالب توجه در این است که فقها ارش سیاه شدن یا سبز شدن دندان را بیشتر از زرد شدن آن می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۳، ج ۹: ۳۸۶؛ صیمری، ۱۴۲۰، ج ۵: ۶۰۴)؛ شاید به این دلیل که ممکن است دندان خودبه‌خود نیز زرد شود و کمتر در ازاله منفعت زیبایی مؤثر باشد. به هر روی، توجه به این نکته لازم است که در این موارد، تنها سخن بر تغییر رنگ دندان بوده و کارکرد آن باقی است، بنابراین، ارش تعیین‌شده، بیشتر از باب از بین رفتن یا کاهش منفعت زیبایی قابل توجیه است.

جدا از این‌ها، در موارد متعدد و درباره اعضای مختلف بدن مانند دست، زانو، ران، ساق، پا برای ماندن جای زخم رقمی به‌عنوان دیه یا ارش تعیین شده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۸۶، ۸۹، ۲۶۲؛ طبرسی، ۱۴۱۰: ۳۵۱؛ عاملی، ۱۴۰۹، ج ۲۹: ۳۰۴، ۳۱۰؛ کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴۴۰). به‌طورکلی نیز گفته شده دیه زخمی که خوب نشده و جای آن باقی بماند، یک‌سوم دیه همان عضو است (حلی، ۱۴۰۵: ۵۹۵؛ حلی، ۱۳۹۴: ۱۰۵؛ مجلسی اول، ۱۴۱۰، ج ۱۰: ۲۴۷)؛ بنابراین به نظر می‌رسد در این موارد شارع مقدس از یک بابت به درد و آزار جسمی در ورود جراحت از یک سو و تعیین دیه یا ارش برای جبران آن و از سوی دیگر به باقی ماندن جای زخم و مخدوش شدن زیبایی فرد و عدم امکان ترمیم آن نظر داشته است.

در مواردی ملاحظه می‌شود که تغییر شکل در اندام‌ها و بدشکل شدن‌شان منجر به دیه می‌شود. مثلاً اگر در اثر صدمه به چشم، بدون آن‌که خللی در کارکرد آن به وجود بیاید، سیاهی در سفیدی چشم باقی بماند دیه تعیین شده (شیخ مفید، ۱۴۱۳: ۷۵۷، ۷۶۰) و فلسفه این امر می‌تواند از بین رفتن یا نقصان زیبایی باشد. در همین راستا، در کندن دندان‌هایی که استخوان باقی بماند و موجب بدشکل شدن شود، بر از بین رفتن منفعت زیبایی توجه شده است (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۴۵). همچنین، در مورد شکستگی استخوان ترقوه در صورت بهبود یافتن حکم به ارش داده‌اند. باین‌حال، گفته شده در صورتی که استخوان کج جوش بخورد و زیبایی و تعادل طبیعی آن از بین برود، حداکثر ارش لازم می‌شود (طوسی، ۱۳۸۷: ۱۵۵).

در خصوص اعضای معیب مثل چشم قائمه یا دست و پای شل که فاقد کارکرد لازم بوده و وجود آن‌ها بیشتر جنبه زیبایی دارد، بهتر می‌توان به منفعت زیبایی و نقش آن در دیه پی برد. در مورد آسیب به این اعضا، یک‌سوم دیه عضو سالم تعیین شده است. به نظر می‌رسد تعیین این میزان از دیه، به دلیل از دست رفتن منفعت زیبایی باشد، چراکه عضو مزبور فاقد سایر کارکردها است، چنان‌که برخی از فقهای عامه نیز، به دلیل ازاله منفعت زیبایی در این موارد قائل به ارش شده‌اند (طوسی، ۱۳۸۷: ۲۶۰).

از مطالعه نظرات فقها متوجه می‌شویم به تفاوت اثری که صدمه در زیبایی مرد یا زن دارد نیز توجه شده است، چنان‌که در ازاله موی زن دیه‌ای معادل مهرالمثل در نظر می‌گیرند (طوسی، ۱۴۱۰، ج ۱۰: ۲۱۲). شاید دلیل چنین اقدامی آن است که صاحبان این نظر بر تأثیر وجود موی سر در زیبایی و امکان ازدواج زن توجه کرده‌اند.

از دقت در این نمونه‌ها مشخص می‌شود که فقه اسلامی به مسئله زیبایی بی‌توجه نبوده است، با این حال، منفعت زیبایی هیچ‌گاه به‌عنوان منفعت مستقل مطرح نبوده و عمدتاً در سایه اعضا ارزیابی می‌شده است. در حقیقت در تعیین دیه اعضاء بر اساس آنچه گفته شد به زیبایی هم توجه شده، لیکن توجه به آن نه به‌عنوان کارکرد و منفعت مستقل، بلکه درون دیه سایر منافع مستتر شده است. شاید با توجه به همین ماهیت غیرمستقل و تبعی است که برای مثال در تعیین دیه بردگان آمده است دیه ابرو و ریش و سیل آن‌ها چون منفعتی به‌جز زیبایی ندارند، برای ایشان محاسبه نمی‌شود (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۶۷)؛ گویی تصور آن بوده که زیبایی منفعت مستقلی نیست و به هر روی در این مورد حکم ایشان با انسان آزاد متفاوت است.

بنابراین، گرچه قاعدتاً زیبایی عارض بر جسم انسان است و بدون آن نمی‌تواند ملاحظه شود، لیکن اهمیت منفعت زیبایی در اینجا مد نظر است. منظور آن است که زیبایی به‌عنوان کارکرد مستقل همچون شنوایی یا بینایی مورد توجه نبوده و شاید دلیل آن عدم توجه و اهمیت عرفی به آن یا عدم امکان ترمیم وضع موجود و در همان راستا عدم تأثیر زیبایی در کارکردهای اساسی اعضای بدن بوده است.

در مباحث راجع به خسارات مازاد بر دیه برخی فقها و حقوق‌دانان برای اثبات ضرورت جبران خساراتی که مبلغشان افزون بر دیه است به قواعدی نظیر لاضرر استناد می‌کنند و بر اساس ادله‌ای که ارائه می‌دهند قائل به ضرورت جبران خسارات به خصوص در هزینه‌های درمانی هستند (مرعشی، ۱۳۷۰: ۱۴-۱۹)، اما اختلاف نظر موجود در پذیرش مشروعیت جبران خسارات علاوه بر دیه همچنان وجود دارد و برخی با پرداخت دیه، پرداخت خسارات دیگر را ممکن نمی‌دانند (مکارم، ۱۴۲۷: ۴۹۱)؛ بنابراین

اختلاف نظر در این است که اصلاً اگر خسارتی بر سلامتی فرد وارد شد و درمان مقدور بود اما هزینه‌ای بیش از دیه داشت، آیا می‌توان آن را مطالبه کرد. در ادامه در خصوص موضوع بحث حاضر بیشتر سخن خواهیم گفت.

۲-۲. قابلیت مطالبه زیان به زیبایی در حقوق تطبیقی

پیش‌تر از مفهوم زیان به زیبایی و پذیرش مشروعیت آن به‌عنوان خسارت مستقل سخن گفته شد. اینک به قابلیت مطالبه آن در سایر نظام‌های حقوقی اشاره می‌شود.

در حقوق فرانسه بر قابلیت جبران زیان به زیبایی و امکان مطالبه آن از سوی زیان‌دیده تأکید شده است، گرچه مفهوم روشنی هم از زیبایی ارائه نشده و در هر مورد عرف معیار تشخیص است (Borgetti, 2015:272). در حقوق آلمان بر قابلیت مطالبه زیان به زیبایی تأکید شده و البته در شناسایی آن عواملی نظیر شدت صدمه، زمان ورود صدمه، نتایج حاصله و ویژگی‌های شخصی تأکید شده و سخت‌گیری بیشتری وجود دارد (Margnus, 2015:305). با این حال، دادگاه‌ها زمانی که خواهان دعوا خانم باشد حساسیت بیشتری نشان داده و حتی زیان‌های پیامدی آن مثل کاهش امکان ازدواج را هم قابل جبران می‌دانند (Markesinis & Unberath, 2002:921).

در حقوق آمریکا این موضوع پذیرفته شده و علاوه بر زیبایی هر نوع عملی که به هر شکل راحتی جسم و جان فرد را مختل کند، می‌تواند زیان شناخته‌شده و قابل جبران است (Halson, 2015:256). در حقوق اکثر ایالات آمریکا ضمن پذیرش زیان زیبایی به‌عنوان بخشی از زیان مطبوعیت، به اهمیت تجلی فیزیکی افراد در جامعه که اهمیت بیشتر زیبایی را در پی دارد نیز تأکید شده و فشار روانی ناشی از تقلیل یا از بین رفتن آن را خسارت تلقی می‌کنند (Kircher, 2007:812)؛ بنابراین دست‌کم در برخی نظام‌های حقوقی خارجی در قابلیت مطالبه زیان وارد بر زیبایی تردید نمی‌کنند.

برای مثال در انگلیس و آمریکا جبران خسارت قطع یا کاهش درآمد به طور کلی و از جمله در مواردی که منشأ صدمه بدنی است، پذیرفته شده است، از جمله آن‌که به دلیل از دست دادن یا نقصان زیبایی باشد؛ به این نحو که اگر پس از صدمه، توانایی کار

و کسب درآمد از فرد گرفته شود، زیان وارد بر او تا زمانی که ادامه می‌یابد باید محاسبه شود. چنانچه زیان مذکور پس از دادرسی نیز ادامه یابد، باید چگونگی ناتوانی و میزان خسارتی که بر عملکرد شغلی خواهان دارد و همچنین زمانی که ممکن است درگیر آن باشد، در نظر گرفته شود و بر اساس آن تخمینی از خسارت صورت بگیرد. در مواردی ممکن است زیان‌دیده در زمان حادثه بیکار باشد یا به دلیل شرایطی خاص مثلاً کودکی، مشغول به شغل مشخصی نباشد. در این موارد قابلیت کسب درآمد مطرح می‌شود؛ گرچه در این مورد با احتمالات مواجهیم، اما قطعی نبودن شواهد گذشته و احتمالی بودن موقعیت آینده مجوزی برای عدم محاسبه خسارات به خصوص در ناتوانی‌های دائمی نیست. محاسبات قانونی برای ارزیابی خسارات خاص مربوط به درآمد، شامل درآمد گذشته و آینده می‌شود. در مورد گذشته عمده بحث روی درآمد ازدست‌رفته و منافع مرتبط با آن و در مورد آینده راجع به قابلیت کسب درآمد است (Brennan & Hennessy, 2016: 533).

در خصوص درآمد آینده این ملاحظه صورت می‌گیرد که زیان‌دیده با توجه به آنچه مطابق قدرت و توانایی او بود چه درآمدی را می‌توانست به دست آورد. در این مورد سابقه فعالیت‌های او و سایر شرایط تطبیقی می‌تواند مبنای عمل قرار گیرد. به‌طور خلاصه می‌توان گفت اولین قدم در محاسبه خسارت درآمدی که در آینده به‌واسطه صدمه بدنی از دست می‌رود، ارزیابی ضرر احتمالی نسبت به قابلیت کسب درآمدی است که خواهان در اثر ورود صدمه از دست داده است (Cane, 2006: 145).

به نظر می‌رسد محاسبه خسارت وارده تا زمان دادرسی بر اساس مدارک موجود در ارتباط با شغل پیشین زیان‌دیده انجام و در مورد خسارت مربوط به آینده که بحث قابلیت اشتغال و احتمالات پیش رو مطرح است، راهکارهای متفاوتی در نظام‌های حقوقی به کار گرفته می‌شود (Barrie, 2005: 427-428).

در حقوق آمریکا جبران زیان مربوط به زیبایی به‌طور عام تحت عنوان خسارت مطبوعیت یا از دست دادن لذات زندگی مطرح می‌شود که عنوان اصلی برای این قبیل

خسارات است (Karns,1990:707). این عنوان معمولاً ناظر به خسارات معنوی از دست دادن زیبایی در آینده است و جبران درد و رنج ناشی از تحمل صدمه یا فشار روانی و بعضاً اختلال‌های عصبی آن نیز قابل مطالبه است (Abel, 2018:329; Kircher, 2007:837)؛ بنابراین در صورت صدمه به زیبایی در حوزه خسارت معنوی هم درد و رنج گذشته از زمان ورود زیان تا زمان دادرسی، هم خسارت تغییر کیفیت زندگی و هم خسارتی که در اثر اختلال‌های عصبی به وجود می‌آید، قابل مطالبه خواهد بود.

در برخی از موارد مذکور با هزینه‌های مالی مواجهیم، مثلاً برای کاهش درد احتیاج به مصرف داروهای مسکن وجود دارد؛ برای برخی اختلال‌ها نیاز به مراجعه به روان‌پزشک و درمان هست؛ در بعضی حالات مثل انزوای فرد از اجتماع نیاز به روان‌کاوی و مشاوره هست که زیان‌دیده بتواند به زندگی طبیعی بازگردد که همه این‌ها همراه با هزینه است. این مخارج گرچه نشئت‌گرفته از زیان معنوی است، اما برای جبران، ذیل زیان‌های مالی مربوط به درمان باید طرح شود. در برخی نظام‌های حقوقی خسارت‌های مالی که در اثر صدمه بدنی وارد می‌آید به یقین قابل جبران است و به خصوص در مورد هزینه‌های پزشکی و درمانی سخت‌گیری کمتری وجود دارد (Nieswiadomy & Silberg,1998:3; Markesinis & Unberath, 2002:105; Schieren,) (2012:6; Rousseou,1983:249)؛ بنابراین ملاحظه می‌شود که دشواری ارزیابی در این موارد تأثیری در قابلیت مطالبه ندارد.

۲-۳. قابلیت مطالبه زیان به زیبایی در حقوق ایران

قابلیت مطالبه و جبران زیان به زیبایی در حقوق ما اگر به‌عنوان زیانی مستقل شناخته شود به دلیل برخورد با مسائل راجع به دیات ممکن است محل تردید قرار گیرد.

۲-۳-۱. دیه و جبران آثار مالی و معنوی زیان به زیبایی

سؤال اساسی این است که در صورت نیاز به جراحی یا استفاده از داروهایی برای رفع اثر زخم یا سوختگی و به‌طورکلی هزینه‌های درمان‌های پزشکی در این موارد، این

هزینه‌ها بر چه کسی بار شود؟ بر زیان‌دیده که در اثر خطای دیگران خسارت دیده یا بر عامل زیان که با خطایش چنین خسارتی ایجاد کرده است. به نظر می‌رسد در حقوق ما پاسخ به این پرسش منوط به تعیین جایگاه اصل جبران کامل خسارات، اصل اعاده زیان‌دیده به وضعیت سابق و جمع قوانین دیه با این اصول است.

چنان‌که می‌دانیم در فقه اسلامی و به تبعیت از آن در قانون مجازات اسلامی نهاد دیه در مقابل خسارت بدنی قرار می‌گیرد. اختلاف نظر فقها و حقوق‌دانان در باب ماهیت دیه و امکان مطالبه خسارات زائد بر آن، مباحث گسترده‌ای در نظام حقوقی ما مطرح کرده است (میرسعیدی، ۱۳۷۳: ۱۹). در فقه و قانون برای نفس، اعضای بدن و منافع آن دیه معین شده است (گرچی، ۱۳۸۲: ۱۴۴). میزان دیه ممکن است معین (مقدر) یا غیرمقدر باشد که در صورت اخیر ارزش نامیده می‌شود و نباید میزان آن از دیه مقدر برای هر عضو بیشتر باشد (م ۴۴۹ ق.م.ا)؛ اما پرسش اساسی این است که با وجود مشخص شدن اندازه دیات در فقه و قانون، آیا در صورتی که خسارتی علاوه بر این میزان بر زیان‌دیده وارد شود، آیا می‌توان خسارات مذکور را نیز علاوه بر دیه مطالبه کرد؟

دادگاه‌های ما به تبع فقها، سابقاً تمایل چندانی به این موضوع نشان نمی‌دادند و این موضع در رأی اصراری ۱۳۶۸ هیئت عمومی دیوان عالی نیز نمود پیدا کرد (شعاریان، ۱۳۸۶: ۳۰). با این حال وجدان‌های عدالت‌مدار به‌خصوص با توجه به نیاز روز جامعه چنین نظری را برناتافتند و استدلال‌های زیادی برای منصفانه کردن موضوع به کار گرفته شد. در این راه به قاعده لاضرر، لاجرح، اتلاف و تسبیب استناد می‌شود تا ضرر وارده محرز و ضرورت جبران آن ولو مازاد بر دیه جبران شود (مرعشی، ۱۳۷۰: ۱۹). بعضی به عدل خداوند استناد می‌کنند؛ «مقصود از عدالت این است که شارع در تمام احکام دین اسلام، چه در عبادات و چه در معاملات، جنبه عدالت فردی و اجتماعی را رعایت کرده و هیچ حکمی را ظالمانه تشریح نکرده است، زیرا ظلم مقتضی عدل و حکمت الهی نیست» (محامد، ۱۳۸۵: ۲۸۳).

به نظر می‌رسد مانعی بر سر راه تمسک به قاعده کلی عدل و انصاف برای اثبات لزوم جبران خسارت بدنی از هر نوع وجود ندارد. وقتی فقه در امور مالی این قدر به اجرای عدالت و رعایت انصاف نظر دارد، بعید است که در مورد خسارت بدنی که به جسم و جان انسان‌ها مربوط است، به عدالت بی‌توجه باشد. باید بدانیم مباحث خسارت بدنی به نحوی که امروزه مطرح است، در گذشته مطرح نبوده و مطالب راجع به دیه کفایت امر می‌کرده است؛ اما پس از حدوث مسائل جدید و ظهور تحولات نوین، چرا نباید از قواعد فقهی که موجب پویایی آن است و متناسب با هر زمان و مکان امکان انعطاف دارد، بهره بگیریم.

استفاده از بنای عقلا راهکار دیگری در اثبات ضرورت جبران است. «مقصود از بنای عقلا آن است که اگر امری مورد پذیرش عقلا قرار گیرد، شارع مقدس که خود رئیس آن‌ها است، آن را می‌پذیرد؛ بنابراین اگر عقلا اتلاف مال غیر را موجب ضمان و آن را عدل و عدم آن را ظلم می‌دانند، شارع نیز باید آن را بپذیرد و اگر شارع آن را نپذیرد یا باید بگوییم حکم عقلایی نیست و این خلاف فرض است و یا آن‌که شارع از حکم عقلا خارج گردیده و ظلم را مجاز دانسته است و این برخلاف نظریه عدلیه است که ظلم را از طرف خداوند قبیح و محال می‌دانند» (مرعشی، ۱۳۷۰: ۶۳). در خسارت بدنی نیز همین استدلال مطرح می‌شود، زیرا عقلا عدم پرداخت خسارت را ظلم می‌دانند و ظلم از طرف خداوند قبیح است. پس در نتیجه، حکم به عدم پرداخت خسارت از طرف خداوند قبیح است.

می‌توان گفت صرف نظر از ماهیت دیه، باید توجه داشته باشیم که شمول دیه بر تمام ضررها دلیل اضافه می‌خواهد که در دسترس نیست (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۷)؛ به عبارت بهتر برخی زیان‌ها نظیر هزینه‌های پزشکی یا عدم‌النفع در درآمد که به‌خصوص با توجه به شرایط روز جامعه ایجاد شده و مستحدث محسوب می‌شود، موضوعی در عرض جنایت و مستقل از آن است و بنابراین قابل مطالبه خواهد بود (صادقی، ۱۳۹۲: ۳۷). در واقع دیه در مقابل آسیبی قرار می‌گیرد که به جسم وارد شده و آن عضو یا

کارکرد آن را برای مدت محدود یا همیشه از بین برده است. به همین دلیل است که شارع مقدس در تعیین دیات تفاوت بین انسان‌ها قائل نشده، زیرا انسان‌ها به لحاظ حق حیات و سلامتی و استفاده از اعضا و منافع با هم یکسان‌اند (شعاریان، ۱۳۸۶: ۳۶ و ۳۷)؛ اما آنچه مدنظر است خسارت‌هایی است که علاوه بر کارکرد همگانی و به‌طور خاص بر افراد وارد می‌شود (حسینی، ۱۳۹۸: ۱۹). شاید صحیح‌تر آن باشد که تشخیص و تعیین ضرر را که مفهومی عرفی است به عرف واگذاریم و اگر چنین شود، نه در فقه و نه در حقوق موضوعه دشواری پیش نمی‌آید (مراغه‌ای، ۱۳۹۸: ۲۱۰؛ مرنندی و پنهانی، ۱۳۹۶: ۹۹).

در حقیقت، «تمامی احکام شریعت منبعث از مصالح و مفاسد واقعی است و هیچ حکمی بدون در نظر داشتن ملاک‌های لازم صادر نمی‌شود. برخی از ملاک‌ها با گذشت زمان و تغییر ساختار زندگی تغییر می‌کنند و جای خود را به ملاک‌های جدیدی می‌دهند و طبیعی است که ملاک جدید، حکم متناسب خود را می‌طلبد. علاوه بر آن تغییر برخی از احکام فرعی شریعت به معنای نسخ احکام نیست، زیرا مسئله نسخ از اختیارات اختصاصی شارع مقدس است. مسئله تغییر و تحول در احکام شریعت متأثر از تغییر شرایط و موضوعات احکام است و تغییر در موضوع، تغییر در حکم را ایجاد می‌کند. نیز از آثار و تبعات تغییر و تحول در معیشت دنیوی، پیدایش نیازها و ضرورت‌های نوین و به عبارتی موضوعات مستحدثه است که قبل از آن هیچ‌گاه مطرح نبوده‌اند» (شاهدی، ۱۳۹۱: ۳۸). از این‌رو زیان دانستن مصادیقی که عرفاً ضرر محسوب می‌شوند شرعاً و عقلاً صحیح است.

در موضوع زیان به زیبایی زیان‌های مالی و معنوی متعددی ممکن است برای زیان‌دیده پدید آید که میزان دیه و ارش آن بعضاً بسیار ناچیز است و خسارت واقعی که ایجاد می‌شود بسیار گسترده‌تر است و این امر در خسارت‌های مالی آشکارتر است. برای مثال هزینه یک عمل جراحی زیبایی ترمیمی ممکن است بسیار بیشتر از دیه باشد؛ بنابراین طبق آنچه گذشت اگر امکان مطالبه خسارات علاوه بر دیه مشروع باشد، امکان مطالبه این خسارت‌ها هم علاوه بر دیات وجود دارد.

۲-۳-۲. اعاده به وضع سابق در زیان به زیبایی

شیوه‌های مختلف جبران خسارت در مسئولیت مدنی در واقع طرق اجرای تعهد مسئول زیان و تابع اهداف مسئولیت مدنی‌اند. عمده‌ترین اهداف مسئولیت مدنی در اکثر قریب به اتفاق نظام‌های حقوقی عبارت‌اند از: جلب رضایت زیان‌دیده، جبران خسارت، اعاده وضع پیشین زیان‌دیده. به عبارت دیگر برای جبران خسارت شیوه جبران عینی و بدلی ارائه شده است (حاجی عزیزی، ۱۳۸۰: ۶۴).

جبران عینی که گاه با عنوان اعاده وضع سابق زیان‌دیده به کار می‌رود، کامل‌ترین روش جبران خسارت است، زیرا این شیوه زیان‌دیده را به حالت پیش از ورود زیان بازمی‌گرداند و به همین دلیل اولویت دارد، زیرا زیان‌دیده به این وسیله در وضعیتی قرار می‌گیرد که اگر فعل زیان‌بار حادث نمی‌شد می‌توانست چنان وضعیتی داشته باشد. البته جبران عینی نسبت به آینده مؤثر است و خسارات گذشته را دربر نمی‌گیرد. به همین دلیل امکان مطالبه خسارت گذشته همچنان وجود دارد (صفایی و ذاکری‌نیا، ۱۳۹۴: ۲۷۰ - ۲۷۱)؛ اما جبران بدلی در مرحله بعد و در زمانی استفاده می‌شود که جبران عینی ممکن نیست و در نتیجه، لاجرم جبران از طریق ارائه بدل که در ابتدا مثل و سپس قیمت است، انجام می‌شود (آقابابا، ۱۳۹۷: ۶۱). در نظام حقوقی اسلام، جبران عینی، راه اصلی و پرداخت غرامت به پول، راه فرعی جبران خسارت شمرده می‌شود (صفایی و ذاکری‌نیا، ۱۳۹۴: ۲۷۲).

در خصوص زیان مربوط به هزینه‌های درمانی و پزشکی به طور اخص به منظور بازگرداندن زیبایی زیان‌دیده یا کم کردن اثرات مخرب (بر زیبایی) می‌توان نظریه جبران عینی را مطرح کرد. طبق این نظریه اکنون که امکان درمان بسیاری از بیماری‌ها و ناهنجاری‌ها وجود دارد، جراحی‌های زیبایی ترمیمی و پیوندی ممکن شده، داروهای متعددی برای از بین بردن آثار بیماری به بازار آمده، تجهیزات پزشکی کارآمد برای کاستن از اثرات مخرب نقص عضو وارد میدان شده، نباید در بدو امر سراغ دپه رفت. اینجا دیگر بحث خسارت مازاد بر دپه مطرح نیست، بلکه محور اصلی بازگرداندن

زیان دیده به وضعیت سابق بر صدمه است. توضیح آن که فقها و حقوق دانان در مورد خسارت‌های مادی روش‌های اصلی جبران خسارت را در طول یکدیگر مطرح کرده و بین آن‌ها تقدم و تأخر عقلی قائل‌اند؛ به این معنی که تا امکان استفاده از روش اول وجود دارد نوبت به روش دوم نمی‌رسد؛ مرحله اول جبران خسارت، اعاده زیان دیده به حالت سابق است که به دلیل تلاش برای برگرداندن زیان دیده به وضعیتی که پیش از زیان داشته روش مناسبی است. مرحله دوم جبران از طریق مثل مال از دست رفته است. مرحله سوم نیز جبران از طریق پرداخت مقداری پول است و در مواردی کاربرد دارد که جبران عینی یا مثلی میسر نباشد (فصیحی‌زاده و سعیدی، ۱۳۹۵: ۲۲۸-۲۲۹). این ترتیب را در خسارت وارد بر اعضا و منافع بدن نیز می‌توان قائل شد. حتی از بررسی متون فقهی این نتیجه به دست می‌آید که اتفاقاً بهبود حال مجنی‌علیه و بازگشت کارایی عضو در اولویت قرار دارد.

به‌عنوان مثال در جنایت منجر به شکستگی استخوان‌های بدن که امید به بهبودی یا درمان آن می‌رود برخی از فقها بر این عقیده‌اند که جانی قصاص نمی‌شود و در صورتی که بعد مدتی عضو مزبور بدون عیب اصلاح و درمان شود، ارش و نه دیه ثابت می‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۰؛ طبرسی، ۱۴۱۰: ۳۵۰؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰: ۴۱۱؛ کیدری، ۱۴۱۶: ۵۰۸؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ج ۴: ۲۶۰). توجه شود که ترجیح ارش بر دیه تنها در صورتی است که نقصان وارده حتماً بدون عیب بهبود یابد.

همچنین در ایجاد شکاف و پاره شدن اعضا نظیر گونه نیز به همین ترتیب اگر بهبود یابد و اثری بر جای نماند ارش معین می‌شود (حلی، ۱۴۰۵: ۶۱۴). اگر دندان کنده شده دوباره بروید ارش را حاکم می‌دانند (محقق حلی، ۱۴۱۸، ۲: ۳۰۸). در شکستن بینی اگر بدون عیب ترمیم شود حکم به پرداخت ارش می‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۱). اگر گوش کسی بریده شود و سپس مجنی‌علیه آن را به نحوی متصل کند و ترمیم حاصل شود دیه محقق نمی‌شود (طرابلسی، ۱۴۰۶، ج ۲: ۴۷۶؛ محقق حلی، ۱۴۱۲، ج ۳: ۴۲۸). در پاره شدن لب‌ها و جراحت در آنان گفته شده که در صورت بهبود و عدم بر جای ماندن

آثار جراحت دیه به میزان یک پنجم می‌رسد (علامه حلی، ۱۴۲۰: ۲). در ازاله موی سر نیز تأکید شده اگر نروید دیه کامل و در صورت رویش مجدد ارش تعلق می‌گیرد (طرابلسی، ۱۴۰۶: ۱۴۰۶؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۵۸۱). در ازاله حس شنوایی و بینایی فرصت یک‌ساله منظور شده که اگر حواس مذکور اعاده نشد، آنگاه حکم به پرداخت دیه شود (علامه حلی، ۱۴۲۱: ۳۶۷). همچنین در صورت از بین رفتن منافی نظیر ازاله حیض از زنان، پس از گذشت یک سال حکم به دیه می‌شود (شیخ طوسی، ۱۴۰۰: ۷۷۱؛ علامه حلی، ۱۴۲۰، ج ۵: ۶۰۷).

بنابراین مشخص است در این امور تعیین دیه هدف اصلی فقها نیست، بلکه به‌عنوان آخرین راه‌حل برای زیان‌دیده است. از مثال‌های مزبور معلوم می‌شود اصلاح، درمان و بهبود مجنی‌علیه در اولویت است و به عبارت حقوقی اعاده به وضعیت سابق رجحان دارد. در موضوعات پیش‌گفته اگر به وسیله درمان‌های نوین پزشکی و تجهیزات و داروهای جدید امکان برگرداندن سلامتی زیان‌دیده وجود داشته باشد چرا باید از آن صرف‌نظر و به مبلغ دیه و ارش بسنده کرد. به‌عنوان مثال اگر در حال حاضر با استفاده از پلاتین و پروتز در اندام‌ها بتوان آن‌ها را بدون عیب و نقص به حالت سلامت بازگرداند که مطلوب شارع نیز به استناد آنچه گذشت همین است، کدام عقل سلیم می‌تواند آن را نفی کند؟ اگر با استفاده از داروهای مؤثر بتوان آثار زخم‌ها را از بین برد یا با استفاده از درمان‌های لیزری کاملاً یا جزئاً صحت یا دست‌کم شکل اولیه چشم را به دست آورد چرا باید از آن صرف‌نظر کرده و زیان‌دیده را به پذیرش دیه دل‌خوش گردانیم؟ اگر با امکان پیوند موی زیبایی صدمه‌دیده بازگردد چرا از آن روی‌گردان باشیم؟ به نظر نگارندگان با انجام بسیاری از این درمان‌ها در مورد زیان وارد بر زیبایی که موضوع اصلی آن از بین رفتن منفعت زیبایی است، دیگر نوبت به دیه نخواهد رسید. در چنین حالتی که زیبایی زیان‌دیده ترمیم یا اصلاح می‌شود از بسیاری دیگر از زیان‌های وارد بر او مثل از دست دادن موقعیت اشتغال در برخی مشاغل یا زیان‌های معنوی، اجتناب شده یا لاقلاً از میزان آن به نحو قابل توجهی کاسته می‌شود.

ممکن است ایراد شود در این صورت اگر زیان دیده علاوه بر این هزینه‌ها دیه را نیز مطالبه کند تکلیف چیست؟ ایراد جبران بیش از میزان زیان نیز اینجا وارد نیست، زیرا صرف نظر از ماهیت دوگانه دیه که از جهتی جنبه جزایی (صناعی، ۱۳۷۱: ۱۳۸) و از جهت دیگر جنبه جبران خسارت دارد (بهروزی‌زاد، ۱۳۸۵: ۵۰) می‌توان گفت میزان دیه یا ارزش تعیین شده حداقل خسارت را که مفروض است جبران می‌کند و برای مازاد بر آن، زیان دیده باید میزان ضرر و رابطه سببیت را اثبات کند تا قادر به اخذ خسارت باشد و به همین دلیل شائبه جبران بیش از زیان پدید نخواهد آمد. ماهیت دوگانه خسارت و مجازات در سایر نظام‌های حقوقی به‌ویژه کشورهای کامن‌لا هم تحت عنوان خسارات تنبیهی^۱ مشاهده می‌شود (Zipursky, 2005: 105). این نوع خسارت در واقع علاوه بر خسارت ترمیمی به دلیل تجری و رفتار بی‌احتیاطانه یا غیرمحترمانه و بی‌توجه خواننده بر دوش او قرار می‌گیرد و در این موارد قانون‌گذار برای تنبیه مرتکب و جنبه بازدارندگی از غرامت اضافه‌ای که خواهان دریافت می‌کند چشم‌پوشی کرده و حتی گاهی آن را معادل جبران خسارت معنوی زیان دیده تلقی می‌کند (Curcio, 1995-1996: 25). این امر در فقه هم تأکید شده است که در صورت بهبود به هر حال درد و رنجی برای مجنی‌علیه بوده که به این وسیله جبران می‌شود (علامه حلی، ۱۴۲۰، ۲: ۲۲۷) و از این رو اگر بیش از میزان دیه یا ارزش خسارتی باشد در صورت اثبات قابل مطالبه است.

۳. نحوه ارزیابی زیان وارد بر زیبایی

انواع زیان‌هایی که در اثر ایراد صدمه به فرد و از بین رفتن یا کاستن از زیبایی به وجود می‌آید معرفی شد، اما نکته مهم و پرسش اساسی نحوه ارزیابی این خسارات است. اگر چنان‌که گفتیم زیان‌های وارد بر زیبایی قابل مطالبه باشد، باید در مورد نحوه ارزیابی آن‌ها نیز سخن بگوییم. قابل توجه آن‌که در نحوه ارزیابی زیان‌های بدنی و آثار مالی و

1. Punitive Damages

غیرمالی آن در نظام‌های حقوقی راه‌هایی پیش‌بینی شده است که امکان به‌کارگیری آن‌ها نیازمند مباحث مفصل است.^۱ گفتیم که در باب دیات در مواردی برای این نوع زیان بدنی دیه یا ارش تعیین شده است، اینک در این فرصت تنها به ارزیابی زیان‌های مربوط به از دست دادن یا نقصان زیبایی خواهیم پرداخت. پیش از آن نیز اجمالاً تأثیر معیارهای شخصی بر ارزیابی مطرح می‌شود.

۳-۱. تأثیر معیارهای شخصی زیان‌دیده در زیان وارد به زیبایی

اگر طبق آنچه گفتیم خسارت وارد بر زیبایی را قابل مطالبه و ارزیابی بدانیم باید توجه داشته باشیم که محاسبه زیان در این خصوص چگونه باید باشد. به‌طورکلی در محاسبه هر خسارتی باید منطقی و عادلانه و منصفانه بودن آن در نظر گرفته شود و این امر در مورد خسارت‌های محتمل و به‌خصوص مربوط به آینده با سخت‌گیری بیشتر همراه است (Munkman, 1973: 24). برای نیل به هدف مذکور در ارزیابی زیان‌های بدنی برخی ویژگی‌های شخصی نیز در نظر گرفته می‌شود تا رقم حکم نزدیک به واقعیت باشد، زیرا چنان‌که گفتیم در مورد آثار مالی و معنوی زیان بدنی خسارات یکسان نیست (Butt & Haberman & Verrall & Wass, 2008:768).

به‌طور اخص در زیان وارد بر زیبایی در هر پرونده قاضی باید علاوه بر معیارهای نوعی و متعارف، ویژگی‌های شخصی هر زیان‌دیده را نیز در نظر بگیرد؛ عواملی نظیر سن، جنسیت، وضعیت تأهل، موقعیت اجتماعی، خانوادگی، شغلی، قدرت سازگاری با شرایط جدید، وضعیت روحی فرد در تحمل صدمات روحی، کیفیت بهره‌گیری از زیبایی که قبل از زیان داشته است (Malkin, 1985:687).

در حقیقت، وقتی در اثر خطا یا عمد دیگری صدمه‌ای به زیبایی شخص وارد می‌آید، خسارت وارد بر یک خردسال، با یک فرد ۲۵ ساله یا انسان ۶۵ ساله یکسان نیست. این زیان بر مردان و زنان اثر متفاوت دارد. اگر زیان مزبور به یک مجرد وارد

۱. برای مطالعه بیشتر ر.ک به (حسینی، ۱۳۹۸).

شود اثر یکسانی با زیان وارد بر یک شخص متأهل ندارد. این زیان برای کسی که مثلاً معلم مدرسه است مثل زیان یک مانکن نخواهد بود. از این رو در هر مورد باید بر معیارهای ویژه هر شخص توجه شود.

به نظر می‌رسد در شناسایی عوامل نوعی و شخصی، هر دو، بهره‌گیری از عرف بسیار کارگشااست. در حقیقت، در هر جامعه نگاه به زیبایی و اهمیت آن و ضررهایی که در اثر فقدان یا نقصان آن پدید می‌آید متفاوت است و جامعه حقوقی و قضات نیز برخورد متفاوتی خواهند داشت (Sugarman, 2006: 399). برای مثال گفتیم که در فقه زیبایی را منفعتی در برخی اندام‌ها می‌دانستند و با توجه به عبارات به نظر می‌رسد که در جامعه آن زمان زیبایی منفعت مهمی محسوب نمی‌شده است. برای مثال در دیه قطع گوش برخی قائل به دیه شده‌اند اما عده‌ای دیگر ارزش را در آن حاکم می‌دانند، زیرا در آن منفعتی جز جمال نیست! (صیمری، ۱۴۰۸، ج ۳: ۱۶۷). یا در مورد دیه عبد می‌خوانیم که دیه ایشان بر اساس قیمتشان محاسبه می‌شود (اردبیلی، ۱۴۰۳، ج ۱۴: ۳۵۵)؛ اما ابرو، ریش و سبیل دیه ندارد، زیرا منفعتی جز زیبایی ندارد (شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ج ۵: ۲۶۷)؛ به نظر می‌رسد در جامعه کنونی ما عرف نظر دیگری در مورد زیبایی دارد و زیان به آن را ضرر می‌شمرد.

۲-۳. ارزیابی زیان‌های مربوط به هزینه‌های پزشکی و اعمال جراحی

امروزه علم پزشکی همچون سایر علوم پیشرفت زیادی کرده و در زمینه درمان، جراحی، دارو و نیز وسایل توان‌بخشی به شدت توسعه یافته است. یکی از مسائل نسبتاً جدید در علم پزشکی گسترش جراحی‌های پلاستیک (ترمیمی و زیبایی) است که موضوعات جدیدی در فقه و به تبع آن در حقوق کشورمان مطرح می‌کند. عوامل مختلفی در اقبال مردم به این جراحی‌ها اثرگذار است؛ «عواملی نظیر بهبود وضعیت اقتصادی و اجتماعی مردم، تسهیل و تجهیز امکانات و شرایط علمی و عملی در زمینه جراحی‌های پلاستیک و توسعه شبکه‌های ارتباطی و عوامل روان‌شناختی و الگوهای بالینی (مثل وسواس، خودشیفتگی، افسردگی) عوامل اجتماعی، بالا رفتن سن» (حاجی

تبار و موسوی شیخ، ۱۳۹۵: ۷۵) درهرحال امروزه تعداد بسیار زیادی جراحی‌های پلاستیک «با انگیزه اصلاح عملکرد یک عضو و تقویت سلامت جسمانی و زیستی، تقویت عزت‌نفس و بهبود کارکردهای روان‌شناختی صورت می‌گیرد» (عباسی و نقیبی و کلهرنیاگلکار و صدرطباطبایی، ۱۳۹۴: ۱۷).

در خصوص مشروعیت این اعمال در فقه و حقوق ایران باید بگوییم به اعتقاد فقهای امامیه، جراحی ترمیمی به لحاظ مشهود بودن قصد درمان و وجود شرط ضرورت معقول و متعارف امری مباح است. البته چنانچه جراحی ترمیمی جنبه انتخابی داشته باشد، مثلاً جراحی مرتبط با آثار به جای مانده از سوختگی یا نقایص مادرزادی، در صورتی جایز است که خطر شدیدی در پی نداشته باشد؛ اما درباره جواز شرعی جراحی صرفاً زیبایی میان فقها اختلاف نظر وجود دارد. نظر اکثریت بر آن است که چنانچه انجام این نوع از عمل جراحی مستلزم فعل حرام (لمس و نظر نامحرم) نباشد، جایز است، مگر در صورت ضرورت برای درمان مثل درمان سوختگی که پزشک مجبور به لمس و نگاه است (حاجی تبار و موسوی شیخ، ۱۳۹۵: ۹۳).

در مورد قوانین نیز قانون‌گذار صراحتاً به این امر نپرداخته، اما با توجه به قاعده عام و حکم کلی مربوط به عملیات درمانی در بند ج ماده ۱۵۸ ق.م.ا و مواد ۴۹۵ الی ۴۹۷ برای جایز و مشروع بودن عمل درمانی یا جراحی، جمع شرایط مشروع بودن، اخذ رضایت از بیمار یا سرپرستان قانونی او و رعایت موازین فنی و نظامات دولتی لازم است؛ بنابراین می‌توان قائل به مجاز بودن این اعمال در نظام حقوقی ایران بود.

در بعضی نظام‌های حقوقی که پیش‌تر اشاره شد نیز به‌طورکلی خسارت مربوط به هزینه‌های پزشکی اعم از درمان، جراحی، دارو، پرستاری، تجهیزات و توان‌بخشی و حتی سفرهای مرتبط یا هزینه‌های مطابقت با شرایط جدید در صورت تأیید کارشناس و منطقی بودن قابل مطالبه است (Diligand & Loriferne & Dominique & Cherles & Roche, 1989: 90). بنابراین می‌توان مدعی شد هزینه‌های مورد نظر برای جراحی‌های پلاستیک و درمان اثرات ناشی از صدمه قابل مطالبه خواهد بود. البته دادگاه‌ها در

ارزیابی این زیان به‌خصوص در مورد نیازهای آینده از توجه به معقول و متعارف بودن هزینه‌های مزبور غافل نمی‌شوند (Munkman, 1973:81).

در خصوص هزینه‌های پزشکی در نظام‌های حقوقی نظیر فرانسه، آلمان، ایتالیا، انگلستان و آمریکا سخت‌گیری در کمترین اندازه بوده و اغلب کلیه هزینه‌های مربوط به درمان به شرط منطقی و معقول بودن قابل مطالبه است و حتی دادگاه‌های آمریکا در این زمینه گشاده‌دستی می‌کنند (Deakin, 2003: 979; Markesinis, Unberath, 2002:126). در اغلب نظام‌های حقوقی اصل اعاده به وضعیت سابق پذیرفته شده و در درمان‌های مربوط به زیبایی تا حدی امکان این اعاده وجود دارد و نباید زیان‌دیده را از آن محروم کرد (Elliot & Quinn, 2011:221)؛ اما نحوه ارزیابی به چه صورت باید باشد؟ در خصوص هزینه‌هایی که تا زمان دادرسی به وجود آمده که مشکلی نیست و دادگاه با احراز ضرورت و معقول بودن حکم به جبران می‌دهد (Markesinis & Unberath, 2002: 126)، اما در مورد خسارت‌های آینده ارزیابی دشوار است. نکته آن است که درمان‌های مربوط به زیبایی با درمان ناتوانی‌های دیگر متفاوت است. توجه به این ماهیت از آنجا اهمیت می‌یابد که در زمان دادرسی قاضی با توجه به نظرات کارشناسی متخصصین می‌تواند نسبت به امکان معالجه و هزینه‌های آن اقناع شود.

نکته دیگر توجه به نحوه پرداخت خسارت است؛ پیش‌تر روش پرداخت یکجای خسارت روش غالب ارزیابی و پرداخت در خسارت‌های بدنی بود (Cane, 2006:133) و رفته‌رفته به دلیل عدم کارایی آن، در مواردی راه‌های جایگزین به میان آمد. پرداخت‌های دوره‌ای کمک بزرگی به جبران خسارت‌های پزشکی و به‌خصوص زیان به زیبایی است (Deakin & Markeisnis, 2003:979)؛ به این معنا که به جای تعیین و پرداخت رقم مقطوع، رقم یکجا تعیین و پرداخت در فواصل منظم (پرداخت ساختاری) (Koenig, 2007: 810) یا تعیین و پرداخت به شکل دوره‌ای و بر اساس نیاز زیان‌دیده صورت بگیرد. در پرداخت دوره‌ای عواملی باید در نظر گرفته شود: ۱. تغییرپذیری دستور پرداخت باید تحت شمول دستور اصلی و نحوه پرداخت ابتدایی

باشد؛ ۲. نوسانات باید در جایی که بیماری قابل پیش‌بینی، زوال توانایی یا بهبود سلامتی برای خواهان وجود دارد مورد توجه قرار گیرد؛ ۳. احتمالات باید به وضوح و در دستور اصلی آورده شود؛ ۴. چارچوب زمانی برای هر تغییری تعیین شود (Markesinis & Unberath, 2002:126).

بنابراین با توجه به ماهیت زیان وارد بر زیبایی و هزینه‌های بعضاً هنگفت آن، به نظر می‌رسد دادگاه ضمن تلاش برای جبران کامل خسارت زیان‌دیده، در خصوص آینده حکم به جبران خسارت‌های درمانی برای دوره‌های متناوب بر مبنای نظر کارشناسان بدهد. نگارندگان بر این عقیده‌اند تعیین سقف برای ارزیابی چنین خساراتی از اجحاف به عامل زیان نیز جلوگیری می‌کند.

۳-۲-۱. ارزیابی زیان وارد بر درآمد

در ارزیابی زیان مربوط به درآمد توجه به این نکته ضروری است که بدانیم زیبایی برای همه مشاغل تأثیرگذار نیست؛ برای مثال یک پزشک، استاد دانشگاه، داروساز، فوتبالیست، آشپز، خیاط برای این‌که به شغل سابقشان بپردازند نیاز به زیبایی ندارند، درحالی‌که زیبایی در انتخاب بازیگر تلویزیون و سینما، مجری رسانه‌ها، مدل لباس و نظایر این‌ها مؤثر است. این امر در عرف نیز پذیرفته است. در داوری عرف، سن و جنسیت فرد نیز اثر خواهد داشت. فرض دیگر حالتی است که شخصی برنامه‌ریزی، استعداد، تحصیلات و زیبایی لازم برای ورود به این دسته از مشاغل را دارد، ولی هنوز وارد بازار کار نشده و با این صدمه به زیبایی‌اش امکان ورود به بازار چنین کاری را از دست خواهد داد. در هر دو فرض ناچار به محاسبه زیان برای آینده این فرد هستیم، اما تفاوت در این است که در مورد یکی دست‌کم سوابقی وجود دارد که مبنای ارزیابی باشد و در مورد دیگری خیر. به‌علاوه در هر دو مورد زیان‌دیده توانایی اشتغال به کار را به طور کلی از دست نداده و می‌تواند به مشاغل بپردازد که نیاز به زیبایی ندارد و در عین حال علاقه او، تحصیلات، تخصص و زمانی که برای رسیدن به شغل مذکور گذاشته، جنبه‌های روانی آن و احتمالات آینده مدنظر دادرس خواهد بود.

در مواجهه با زیان‌دیده‌ای که پیش از صدمه شاغل بوده و اینک نمی‌تواند به کار بازگردد، در صورتی که شغل ثابتی داشته، مثلاً کارمند فروشگاه عرضه لباسی محسوب می‌شده و به‌عنوان مدل مشغول بوده است، ارزیابی زیان دشوار نیست. در این موارد بر اساس درآمد دریافتی با احتساب مزایا و کسورات و ترقی و تنزل قیمت‌ها و بر مبنای تعداد سالی که او در این شغل می‌توانسته بماند و کار کند، محاسبه صورت می‌گیرد. در این موارد می‌توان خسارت را به شکل یکجا ارزیابی و پرداخت کرد (Butt & Haberman & Verrall & Wass, 2008:763)؛ بنابراین در این حالت محاسبه خسارت مربوط متمرکز بر درآمد گذشته و بهره‌مندی از نرخ رشد و افزایش درآمد بر آن اساس است (Barrie, 2005:445). اگر زیان‌دیده شغل ثابتی با درآمد معین نداشته مثل بازیگری که درآمدش معلوم نیست و بستگی به قراردادهای آتی او دارد، دادرس می‌تواند بر اساس درآمد افرادی در موقعیت او، ارزیابی را صورت دهد. یقیناً احتمالات منفی مثل بیماری، عدم پیشنهاد کاری نیز در نظر گرفته می‌شود (Barrie, 2005:445). در محاسبه خسارت وارد بر درآمد طول عمر کاری محتمل برای زیان‌دیده مهم است. در نظام حقوقی انگلیس و امریکا جداولی به تعیین این امر کمک می‌کنند و حتی فرمول‌های ریاضیاتی برای محاسبه آن در نظر گرفته شده است (حسینی و بادینی، ۱۳۹۸: ۱۵۸). در خصوص زیان زیبایی توجه به طول عمر کاری مهم‌تر به نظر می‌رسد، زیرا اغلب افراد برای سنین معینی می‌توانند از زیبایی خود برای اشتغال بهره‌گیرند.

اما اگر زیان‌دیده‌ای موقتاً بدون کار باشد، درحالی‌که قبل از سانحه مشغول بوده و به دلایلی از آن خارج شده یا اصلاً مشغول به کار نبوده اما قابلیت ورود به این مشاغل را داشته تکلیف چیست. قدر مسلم آن‌که در این موارد بر اساس ظرفیت و توانایی و قابلیت، ارزیابی انجام می‌شود و میزان زیان مثل زمانی که درآمدی موجود بوده نخواهد بود. در این موارد می‌توان گفت زیان‌دیده از فرصت ورود به این مشاغل بازمانده است. در این موارد بدون وجود قطعیت و احتمال قریب به یقین دادگاه‌ها به جبران خسارت حکم

نمی‌دهند و در صورت وجود شواهد معقول احتمالات منفی مثل عدم موفقیت، بیماری را نیز در نظر خواهند گرفت (Brennan & Hennessy, 2016:483).

نکته حائز اهمیت آن است که در تمام مصادیق زیان وارد بر درآمد، زیان دیده اگر امکان ورود به مشاغل دیگری را دارد، نمی‌توان با امتناع از آن، عامل زیان را به جبران به میزان بیشتر وادارد. این امر در زیان وارد بر زیبایی اهمیت بیشتر دارد، زیرا زیان دیده به طور کلی ناتوان از کسب درآمد نشده است (Barrie, 2005: 451).

در حقوق ما به تبع فقها اغلب بر این باورند که خسارت عدم‌النفع که خسارت بر درآمد مصداق آن است و در فقه از آن در بحث حبس انسان آزاد بدون حق یاد می‌شود (وحدتی شبیری، ۱۳۹۵: ۲۶۳) موجب ضمان نیست. ایشان معتقدند بر عدم‌النفع، ضرر مالی صدق نمی‌کند (وحدتی شبیری، ۱۳۹۵: ۳۴۵-۳۴۶). عده‌ای دیگر اما بر این باورند که در وجود دلیل فقهی بر لزوم جبران خسارت عدم‌النفع، جای تردیدی نیست. به نظر ایشان اگر مقتضی منفعت، کامل و نفع در معرض وصول باشد؛ به این معنا که روال عادی امور چنان است که نفعی را به طور مسلم به شخص می‌رساند، جلوگیری از رسیدن نفع از نظر عرف، خسارت و ضرر انگاشته می‌شود (سعادت مصطفوی و هوشمند فیروزآبادی، ۱۳۸۹: ۵۹).

از مباحث بیشتر فقیهان که ضمان عدم‌النفع را انکار کرده‌اند برمی‌آید که علت، قصور ادله ضمان از شمول نسبت به چنین خسارتی است. ایشان بر این نظرند که ضرورت جبران هر ضرری به وسیله مال دلیل فقهی معتبر ندارد. ریشه‌یابی علت ممنوعیت مطالبه عدم‌النفع در فقه با توجه به استحکام قاعده لاضرر قابل توجه است؛ به نظر می‌رسد دلیل عدم پذیرش قابلیت مطالبه عدم‌النفع، تأکید فقها بر حکم قاعده مورد بحث و عدم توجه لازم به موضوع باشد. گفتنی است که دقت‌های فلسفی در مفاد قاعده، فقها را از برداشتی متعارف از آن دور انداخته است. برای همین است که به جای آن‌که با نگاهی متعارف عدم‌النفع را از مصادیق ضرر بشمارند و یا حداقل تشخیص آن را به عرف واگذارند، درصدد یافتن نسبت منطقی این دو هستند و در مقام نتیجه‌گیری رابطه این دو را نسبت به یکدیگر تضاد می‌دانند نه تناقض (مراغه‌ای، ۱۳۹۸: ۲۱۰). با استفاده از این استدلال و به

خصوص با توجه به نظر بسیاری از فقها در ضمان محرومیت از منافع اجیری که در استخدام دیگری است تردید نمی‌کنند و آن را مصداق اتلاف می‌دانند (وحدتی شبیری، ۱۳۹۵: ۳۴۵-۳۴۶).

می‌توان ادعا کرد این خسارت در حقوق ما نیز می‌تواند قابل جبران باشد. به ویژه آن‌که در دکترین حقوقی نیز گفته می‌شود که ضرر مفهومی عرفی است و مصادیق آن را عرف تعیین می‌کند. عرف نیز محروم شدن از یک منفعت را ضرر تلقی می‌کند (مرندی و پنهانی، ۱۳۹۶: ۹۹) بنابراین هرگاه عملی مانع دست یافتن به یک منفعت شود، دلیلی برای عدم جبران آن وجود ندارد. صدر ماده ۱۴ ق.آ.د.ک نیز که جبران کلیه ضررهای مادی را ممکن می‌داند مؤید این نظر است.

۳-۲-۲. ارزیابی خسارت معنوی

روش‌های متداول جبران خسارت معنوی بر اساس متون قانونی موجود به این شرح است: ۱. موقوف کردن یا از بین بردن منبع ضرر (م ۸ ق.م.م)؛ ۲. عذرخواهی شفاهی از زیان‌دیده (م ۱۰ ق.م.م)؛ ۳. عذرخواهی عملی یا کتبی یا درج در جراید (م ۱۰ ق.م.م)؛ ۴. اعاده حیثیت (اصل ۱۷۱ ق.ا)؛ ۵. پرداخت مابه‌ازاء مادی (م ۱۰ ق.م.م) (اژدری، الماسی و پورعرفان، ۱۳۹۷: ۱۱).

در خصوص زیان وارد بر زیبایی پرداخت مالی خسارت مورد نظر ما است که به دلایلی که شرح آن گذشت، در جمع آن با دیات به شدت تردید می‌کنند و بسیاری محاکم حتی اگر جمع خسارات مالی با دیات را بپذیرند، امکان جمع خسارات معنوی با دیات را به سختی می‌پذیرند. در آراء متعددی نیز بر این باور تأکید شده است.^۱

۱. برای مثال آراء:

۹۱/۸/۱۷ تاریخ ۹۱۰۹۹۷۰۲۲۰۷۷۰۰۷۶۸

۹۳/۱۰/۲۱ تاریخ ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۱۷۵

۹۳/۱۲/۱۲ تاریخ ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۴۹۸

۹۳/۸/۲۸ تاریخ ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۴۹۸

۹۳/۱۱/۲۶ تاریخ ۹۳۰۹۹۷۰۲۲۱۲۰۱۳۵۹

۹۲/۱۱/۱۵ تاریخ ۹۲۰۹۹۷۰۲۲۲۹۰۱۳۲۷

تبصره دوم ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری اخیرالتصویب نیز که صراحتاً امکان پرداخت خسارت معنوی همراه با دیات را نپذیرفته، بر دشواری کار افزوده است؛ اما وجدان بیدار انسان نمی‌تواند به خصوص در بعضی مصادیق مهم، عدم امکان جبران خسارت را برتابد. بر فرض اگر در اثر صدمه به زیبایی، دختر جوانی برای همیشه امکان ازدواج را از دست بدهد و دچار عوارض روحی شود، آیا حتی یک دیه کامله می‌تواند جبران زیان کند. شاید در اثبات آنچه منصفانه می‌دانیم، فلسفه تعیین جبران خسارت در چنین مواردی کمک‌کننده باشد. بر این مبنا ماهیت غرامتی که در خسارات معنوی پرداخت می‌شود نه جبران خسارت و ترمیم زیان‌دیده، بلکه تلاشی برای اعطای رضایتی به او است معادل یا نزدیک به آنچه از دست داده است. در حقیقت در چنین مواردی جبران مالی وسیله‌ای است برای ایجاد رضایت خاطر و تسلی در زیان‌دیده و نه اعاده به وضع سابق که در خسارات معنوی امکان‌پذیر نیست. به لحاظ منطقی هم چنین رویکردی صحیح است، زیرا باید عامل زیان که با رفتارش زندگی و طیب خاطر زیان‌دیده را تحت تأثیر قرار داده به بهانه عدم امکان ارزش‌گذاری به پول از مسئولیت کار خویش برهد و زیان‌دیده بماند و مصائبش (Stolker, 1999: 83) بنابراین باید قوانین موجود را چنان تفسیر کنیم که در راستای عدالت کوشیده باشیم. در این خصوص می‌توان گفت دیات خسارات متعارف را پوشش می‌دهند، از این رو اگر برخی خسارات به خصوص با توجه به شرایط روز جامعه غیرمتعارف به حساب آید، بدون این‌که تعارضی با تبصره مذکور داشته باشد، قابل مطالبه است؛ اما در این باره شیوه ارزیابی چگونه باید باشد؟

در این خصوص از آنجا که هدف پرداخت خسارت جبران واقعی نبوده بلکه ایجاد خرسندی در اوست، روش‌های ارزیابی نیز در این راستا عمل می‌کنند. برای مثال خسارت‌های معنوی را بر اساس شدت و درجه و عوامل شخصی طبقه‌بندی می‌کنند و قاضی بر آن اساس رأی صادر می‌کند (Ubel & Loewenstein, 2008: 208). همچنین به دلیل ماهیت مذکور و به منظور پیش‌گیری از صدور آراء به مبالغ هنگفت تعیین سقف

پرداخت یا دامنه‌ای از حداقل و اکثر غرامت روش مناسبی است که در سایر نظام‌های حقوقی به کار گرفته می‌شود (Sugarman, 2006:225).

در حقوق ما در تبصره دوم ماده ۱۴ می‌بینیم که قانون‌گذار پرداخت خسارت معنوی را شامل دیه نمی‌داند و بنابراین اثبات ضرورت جبران این خسارت در زیان بدنی و ارزیابی آن با توجه به این مقررہ بسیار دشوار می‌شود. برای این که از این گرداب قانون بگریزیم ناچار از توجیه و تفسیر قانون هستیم. می‌توانیم قائل به آن شویم که قانون‌گذار خسارت معنوی را به آن دلیل در قانون مجازات و بحث دیات استثناء کرده که در ماده ۴۵۲ احکام و آثار مسئولیت مدنی را بر دیات حاکم دانسته است و بنابراین باید بحث خسارت منافع ممکن‌الحصول و خسارت معنوی را در قواعد عمومی مسئولیت مدنی بررسی کنیم. به علاوه، شاید بتوان گفت قانون‌گذار به این دلیل خسارات مذکور را از دیات استثناء کرده که فرض می‌کند دیه به‌طور متعارف پوشش‌دهنده این زیان‌ها است؛ بنابراین اگر اثبات شود زیان‌های وارده نامتعارف است و دیه پوشش‌دهنده آن نیست، موضوع تحت شمول تبصره ۲ ماده ۱۴ نخواهد بود. در حقوق ما می‌توان ضمن ارائه موضوع به کارشناس سقف پرداخت را میزان دیه کامله در نظر گرفت (پرونده هموفیلی‌ها).

فرجام سخن

اینک در زمانه‌ای قرار داریم که جنبه‌های مختلف زیان‌های بدنی مرکز توجه‌اند. بسیاری از فقها و حقوق‌دانان در ضرورت جبران خسارات مازاد بر دیه تردید نمی‌کنند. با این حال زیان وارد بر زیبایی همچنان مغفول است. در فقه جمال را منفعتی وابسته به اعضا و نه کارکردی مستقل می‌دانند و جز در موارد نادری برای آن دیه یا ارش تعیین نمی‌شود. حال آن که امروزه در مستقل بودن چنین زیانی از نظر عرف شکی نیست. وقتی زیبایی کسی در اثر خطای دیگری زائل می‌شود، او با خسارت‌های مالی و معنوی متعددی دست‌به‌گریبان خواهد شد. در این مقاله از انواع آثار مالی و غیرمالی زیان بر

زیبایی و نحوه ارزیابی و جبران آن‌ها سخن گفته شد. به نظر می‌رسد علی‌رغم وجود دیه در حقوق ما و علی‌رغم این‌که دیه مستقلاً برای صرف زیبایی در نظر گرفته نشده است، اهمیت عرفی آن از یک سو و امکان جراحی‌های ترمیمی و زیبایی از سوی دیگر، زیبایی را زیانی مستقل و قابل جبران می‌نمایاند. می‌توان گفت اگر با درمان‌های پزشکی اثر سوء از جمال مرتفع شود، حتی نوبت به دیه یا ارش نخواهد رسید و مبلغی که به این عناوین پرداخت می‌شود خسارت مفروض است که نیاز به اثبات ندارد. این برداشت را صدر ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری که جبران خسارت‌های مالی را روا می‌دارد تأیید می‌کند، زیرا هزینه‌های درمان اگر پذیرفته شود و مورد حکم قرار گیرد در زمره ضرر و زیان‌های مادی و البته نتیجه صدمه بدنی است و از این رو تناقضی با تبصره دوم ماده ندارد.

منابع

الف. فارسی

- آذری، حسن و الماسی، نجادعلی و پورعرفان، ایرج (۱۳۹۷) «مطالعه تطبیقی خسارت معنوی در حقوق ایران و مصر از نظر اخلاقی»، پژوهش‌های اخلاقی، دوره ۹، شماره ۳۳، صص ۲۰-۵.
- اصغری آقمشهدی، فخرالدین (۱۳۸۲) «جبران خسارت معنوی در حقوق ایران»، پژوهشنامه علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه مازندران، شماره ۹ و ۱۰، صص ۳۱-۴۸.
- ایرانلو، محسن و همکاران (۱۴۰۰) «نگرشی بر میزان جبران خسارات بدنی با رویکرد مطالعه تطبیقی در حقوق اسلام، ایران، فرانسه و انگلستان»، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، سال هشتم، دوره ۸، شماره ۱، صص ۲۹-۵۴.
- آقابابا، زهرا (۱۳۹۷) «بررسی شیوه‌های جبران خسارت در مسولیت مدنی در ایران و حقوق نوین اروپا»، مطالعات حقوق، شماره ۱۹، صص ۵۵-۶۸.
- بابایی، ایرج (۱۳۸۹) «جبران خسارات ناشی از صدمات بدنی در حقوق مسولیت مدنی ایران»، پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۲۸، صص ۱-۳۰.
- بهروزی‌زاد، حمیدرضا (۱۳۸۵) «ماهیت دیه: کیفر یا جبران خسارت»، مجله دادرسی، شماره

۶۰، صص ۵۰-۵۷

بهمن پوری، عبدالله (۱۳۹۸) «تحلیل فقهی مسئولیت ناشی از ورود خسارت بر زیبایی و کارکرد ثانوی اعضا»، پژوهش‌نامه حقوق کیفری، دوره ۱۰، شماره ۲۰، صص ۲۹-۵۴.

حاجی تبار فیروزجایی، حسن و موسوی شیخ، سیده محبوبه (۱۳۹۵) «بررسی جواز جراحی پلاستیک در فقه امامیه و حقوق کنونی ایران»، فصل‌نامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلام، دوره ۱۲، شماره ۴۳، صص ۷۵-۹۶.

حاجی عزیزی، بیژن (۱۳۸۰) «روش‌های جبران خسارت در مسئولیت مدنی»، مجله دانشور پزشکی، دوره ۹، شماره ۳۶، صص ۶۳-۷۲.

حجازی، محمدعلی، بداعی، فاطمه (۱۳۹۴) «جراحی زیبایی و مسئولیت طبیب»، مطالعات راهبردی زنان، دوره ۱۷، شماره ۶۸، صص ۱۱۵-۱۶۴.

حسینی، فاطمه سادات و بادینی، حسن (۱۳۹۸) «ارزیابی خسارت قطع یا کاهش درآمد ناشی از صدمات بدنی»، حقوق خصوصی، دوره ۱۶، شماره ۱، صص ۱۳۳-۱۵۰.

حسینی، فاطمه سادات (۱۳۹۸) نحوه ارزیابی خسارت بدنی، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

دیانی، عبدالرسول، براهیم باستانی، معصومه (۱۳۹۶) «جبران خسارت ناشی از صدمات بدنی در حقوق ایران و انگلیس»، تحقیقات حقوقی بین‌المللی، دوره ۱۰، شماره ۳۶، صص ۱۳۷-۱۷۲.

سعادت مصطفوی، مصطفی، هوشمند فیروزآبادی، حسین (۱۳۸۹) «عدم‌النفع»، حقوق اسلامی، دوره ۷، شماره ۲۶، صص ۵۹-۸۸.

شاهدی، رحیم (۱۳۹۱) «پویایی فقه شیعه»، نشریه حکومت اسلامی، دوره ۱۷، شماره ۶۳، صص ۵۹-۸۸.

شعاریان، ابراهیم (۱۳۸۶) «ماهیت دیه و نقدی بر اصطلاح خسارات مازاد بردیه»، مجله کانون، شماره ۵ و ۶، صص ۲۹-۴۲.

صادقی، محمدهادی (۱۳۹۲) «موارد امکان جبران خسارت مازاد بر دیه و قصاص»، مجله حقوقی اسلامی، دوره ۱۰، شماره ۳۶، صص ۳۷-۶۴.

صانعی، پرویز (۱۳۷۱) حقوق جزای عمومی ۲، ج ۱، تهران: انتشارات گنج دانش.

صفایی، سیدحسین و ذاکری‌نیا، حانیه (۱۳۹۴) «بررسی تطبیقی شیوه‌های جبران خسارت در

- مسئولیت مدنی غیر قراردادی»، **مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۴۵، شماره ۲، صص ۳۷-۶۴.
- عباسی، محمود و کلهرنیاگلکار، میثم و رضایی یکدانگی، محسن (۱۳۹۱) «تعهدات و الزامات جراحان زیبایی و ترمیمی در گستره حقوق پزشکی»، **فصل نامه حقوق پزشکی**، دوره ۶، شماره ۲۲، صص ۱۳-۵۰.
- فصیحی زاده، علی رضا و سعیدی، سمیه (۱۳۹۵) «تحلیل انتقادی جایگاه دیه براساس ترتیب عقلانی روش های جبران خسارت»، **مجله مطالعات فقه و حقوق اسلامی**، دوره ۸، شماره ۱۵، صص ۲۲۵-۲۴۶.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۷) **مسئولیت مدنی قواعد عمومی**، ج ۱، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گرجی، ابوالقاسم (۱۳۸۲) **دیات**، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محامد، علی (۱۳۸۵) «بررسی قاعده عدل و انصاف و آثار آن»، **نشریه پژوهش های فلسفی-کلامی**، دوره ۸، شماره ۳۰، صص ۲۳۵-۲۷۰.
- مرعشی، محمدحسن (۱۳۷۰) «ضرر و زیان ناشی از جرم»، **مجله حقوقی دادگستری**، دوره ۵۵، شماره ۱، صص ۹-۲۱.
- مردی، محمدرضا و پنهانی، زهرا (۱۳۹۶) «خسارت عدم النفع در نظام حقوقی ایران»، **مطالعات علوم سیاسی، حقوق و فقه**، دوره سوم، شماره ۱/۳، صص ۹۳-۱۰۱.
- مکارم، ناصر (۱۴۲۷) **استفتائات جدید**، ج ۳، چ ۲، قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب.
- میرسپاسی، برونس (۱۳۴۷) «خسارت اخلاقی یا زیبایی شناسی ضرر و زیان زیبایی»، **مجله پزشکی قانونی ایران**، دوره چهارم، شماره ۲۵، صص ۲۰-۳۳.
- میرسعیدی، سیدمنصور (۱۳۷۳) **ماهیت حقوقی دیات**، تهران: نشر میزان.
- میرشکاری، عباس (۱۳۹۸) «حق جلوت»، **مطالعات حقوق خصوصی**، دوره ۴۹، شماره ۳، صص ۵۲۳-۵۴۲.
- میرشکاری، عباس (۱۳۹۷) **رساله عملی در مسئولیت مدنی**، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- نصراکن، حجت، محمدرضاپور اوزان، بابک، مولایی، یوسف (۱۴۰۰)، «بررسی خسارات ناشی از آسیب بدنی در حقوق مدنی ایران»، **حقوق پزشکی**، دوره ۱۵، شماره ۵۶، صص ۱۹۳-۲۰۵.

نقیبی، سید ابوالقاسم و کلهرنیا گلکار، میثم و صدرطباطبایی، سیدمحمدعلی (۱۳۹۴) «واکوی موضوع‌شناسی و مستندات حکم‌شناسی جراحی زیبایی»، فصل‌نامه اخلاق زیستی، دوره ۵، شماره ۱۶، صص ۷۷-۱۱۲.

وحدتی‌شیرینی، سیدحسن (۱۳۹۵) «ضمان ناشی از خسارت عدم‌النفع در نظریه فقهی وحید بهبهانی»، فقه و مبانی حقوق اسلامی، دوره ۴۹، شماره ۲، صص ۱۸۹-۲۱۱.

یوسفیان، جواد (۱۳۷۹) «نگاهی به مفهوم زیبایی‌شناسی»، نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی (تبریز)، دوره ۴۳، شماره ۱۷۷، صص ۱۳۵-۱۷۲.

ب. عربی

اردبیلی، احمدبن محمد (۱۴۰۳ ه.ق)، مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان، ج ۱۴، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

اسکافی، ابن جنید، محمد بن احمد کاتب بغدادی (۱۴۱۶ ه.ق) مجموعه فتاوی ابن جنید، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

اصفهانی، مجلسی اول، محمدتقی (۱۴۰۶ ه.ق) روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، ج ۱۰، چ ۲، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.

اصفهانی، مجلسی دوم، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ ه.ق) مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، ج ۲۴، چ ۲، تهران: دارالکتب الإسلامیه.

حلی، ابن‌ادریس، محمدبن منصور بن احمد (۱۴۱۰ ه.ق) السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ج ۳، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

حلی، علامه، حسن بن یوسف، بن مطهراسدی (۱۴۲۰ ه.ق) تحریر الاحکام الشرعیة علی مذهب الامامیه، ج ۵، چ ۱، قم: موسسه امام صادق علیه‌السلام.

حلی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ه.ق) شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام، ج ۴، چ ۲، قم: موسسه اسماعیلیان.

حلی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن (۱۴۱۲ ه.ق) نکت النهایة، ج ۳، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- حلی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ ه.ق) **المختصر النافع فی فقه الامامیه**، ج ۲، چ ۶، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیّه.
- حلی، یحیی بن سعید (۱۴۰۵ ه.ق) **الجامع للشرايع**، چ ۱، قم: مؤسسه سیدالشهداء العلمیه.
- حلی، جمال‌الدین، احمد بن محمد اسدی (۱۴۰۷ ه.ق) **المهذب البارع فی شرح المختصر النافع**، ج ۵، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۲۱ ه.ق) **تلخیص المرام فی معرفه الاحکام**، چ ۱، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
- حلی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی (۱۴۱۳ ه.ق) **مختلف الشیعۀ فی احکام الشریعۀ**، ج ۹، چ ۲، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- حلی، محقق، نجم‌الدین، جعفر بن حسن (۱۴۱۸ ه.ق) **المختصر النافع فی فقه الإمامیه**، ج ۲، چ ۶، قم: مؤسسه المطبوعات الدینیّه.
- حلی، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۰۴ ه.ق) **التنقیح الرائع لمختصر الشرائع**، ج ۴، چ ۱، قم: انتشارات کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی.
- حلی، یحیی بن سعید (۱۳۹۴ ه.ق) **نزهة لنا ظرفی الجمع بین الأشباه و النظائر**، چ ۱، قم: منشورات رضی.
- شیخ مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳) **المقنعة**، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- صیمری، مفلح بن حسن (حسین) (۱۴۲۰ ه.ق) **غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام**، ج ۴، چ ۱، بیروت - لبنان: دارالهادی.
- طبرسی، امین‌الاسلام، فضل بن حسن (۱۴۱۰ ه.ق) **الموتلف من المختلف بین ائمة السلف**، ج ۲، چ ۱، مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
- طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ ه.ق) **المهذب**، ج ۲، چ ۱، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷ ه.ق) **المبسوط فی فقه الامامیه**، ج ۷، چ ۳، تهران: المكتبة المرتضویة لآحیاء الآثار الجعفریة.
- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه.ق) **تهذیب الاحکام**، ج ۱۰، چ ۴، تهران: دارالکتب

الاسلامیه.

- طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن (۱۴۰۷ه.ق) **الخلاف**، ج ۵، چ ۱، قم: دفترانتشارات اسلامی.
- طوسی، ابوجعفر، محمدبن حسن (۱۴۰۰ه.ق) **النهاية في مجرد الفقه و الفتاوى**، چ ۲، بیروت: دارالکتب العربی.
- عاملی، حرّ، محمدبن حسن (۱۴۰۹ ه ق) **وسائل الشیعة**، ج ۲۹، چ ۱، قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام.
- عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (بی تا) **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی)** - سلطان العلماء، ج ۲.
- عاملی، شهید ثانی، زین‌الدین بن علی (۱۴۱۰ ه ق) **الروضه البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلانتر)**، ج ۱۰، چ ۱، قم: کتابفروشی داوری.
- علی‌بن بابویه (۱۴۰۶ ه.ق) **الفقه - فقه‌الرضا**، چ ۱، مشهد: مؤسسه آل‌ال‌بیت (ع).
- قمی، صدوق، محمدبن علی بابویه (۱۴۱۳ ه.ق) **من لایحضره الفقیه**، ج ۴، چ ۲، قم: دفترانتشارات اسلامی.
- قمی، صدوق، محمدبن علی بابویه (۱۴۱۵ ه.ق) **المقنع**، چ ۱، قم: مؤسسه امام هادی علیه‌السلام.
- کلینی، ابوجعفر، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق) **الکافی**، (ط-الاسلامیه) ج ۷، چ ۴، تهران: دارالکتب‌الاسلامیه.
- کیدری، قطب‌الدین، محمدبن حسین (۱۴۱۶ ه.ق) **اصباح الشیعة بمصباح الشریعة**، چ ۱، قم: مؤسسه امام صادق علیه‌السلام.
- مراغه‌ای، عبدالفتاح (۱۲۹۸ه.ق) **العناوین**، ج ۹، چ ۲، بیجا، انتشارات مؤسسه نشراسلامی.

ج. انگلیسی

- Abel, Richard (2018) "General damages Are incoherent, Incalculable, Incommensurable and Inegalitarian (But other wise a great idea)", **Depaul law Review**, Vol. 55, No. 253, pp. 253-330.
- Barrie, Peter (2005) **Personal Injury Law**, London: Oxford University Press, Second Edition,.
- Borgetti, Jean-Sebastien (2015) "Non-Pecuniary Damages in France", **The Chinese journal of Comparative Law**, Vol. 3, No.2, pp.

- 268-288.
- Brennan, Niamh & Hennessy, John (2016) "Forensic Accounting and The Calculation of Personal Injury Damages", **Bar Review**, Vol. 6, No.9, pp.480-487.
- Butt, Zultan & Haberman, Steven & Verrall, Richard & Wass, Victoria (2008) "Calculating Compensation for Loss of Future Earnings: Estimating and Using Work-Life Expectancy", **Journal of the Royal Statistical Society**, Vol.171, No.4, pp.464-467.
- Cane, Peter (2006) **Atiah's Accidents, Compensation and the Law**, London: Cambridge University Press.
- Curcio, Andrea A. (1995 – 1996) "Painful Publicity an Alternative Punitive Damage Sanction", **DePaul Law Review**, Vol.45, No.2, pp. 342-398.
- Deakin, Johnston & Markeisinis (2003) **Markesinis and Deakin's Tort law**, London: Oxford University Press.
- Elliot, Catherine & Quinn, Frances (2011) **Tort Law**, London: Pearson.
- Hernandez, Daniel (2002) **Suit All eges Hazing in death**, L.A Times, pp. 20-34, Seen at <http://articles.latimes.com/2002/sep/24/local/me-high 24>
- Holson, Roger (2015) "The Recovery of Damages for non-pecuniary Loss in the United Kingdom", **The Chinese Journal of Comparative Law**, Vol.3, No.2, pp.1-36.
- Karns, Jack, E. (1990) "Economics, Ethics, and tort Remedies: The Emerging Concept of Hedonic Value", **Journal of Business Ethics**, Vol 9, No 9, pp.707-713.
- Kircher, John (2007) "The Four Faces of Tort Law: Liability for Emotional Harm", **Marquette Law Review**, Vol.90, No. 4, pp788-920.
- Koenig, Laura, J. (2007) **Lies, damned Lies and Statistics? Structured Settlements**, Factory and the Federal Government, 82 IND.L.g.809,810, pp808-826.
- Malkin, Ian (1985) **Unequal Treatment of Personal Injuries**, 17 Mel. U.L.Rev, pp.684-713.
- Margnus, Ulrich (2015) "Damages for Non-Pecuniary Loss in German Contract and Tort Law", **The Chinese Journal of Comparative Law**, Vol.3, No.2, pp. 289-307.
- Markesinis, Basil.S & Unberath, Hannes (2002) **The German law of Torts, A Comparative Treatise**, 4Edition, Hart Publishing Oxford and Portland, Oregon.
- Munkman, John (1973) **Damages for Personal Injuries and Death**, London: Butter worths, fifth Edition.
- Nieswiadomy, Michael, Silberg, Eugene (1988) "Calculating Changes in

- Worklife Expectancies and Lost Earnings in Personal Injury Cases”, **The Journal of Risk and Insurance Association**, Vol.55, No.3, pp.492-498.
- Schieren, George A. (2012) “Assessing Economic Damages in personal injury and wrongful Death litigation:the state of North Carolina”, **Journal of Forensic Economics**, Vol. 12.
- Stolker, Carel (1999) “The Unconscious Plaintiff: Consciousness as a Prerequisite for Compensation for Non Pecuniary Loss”, **The International and Comparative Law Quarterly**, Cambridge University Press, Vol. 39, No.1, pp. 81-100.
- Sugarman, Stephen, D. (2006) “**A Comparative Look at Pain and Suffering Awards**”, **DePaul Law Review**, Vol. 55, pp.399-434.
- Ubel, Peter, A. & Loewenstein, George (2008) “Pain and Suffering Awards: They Shouldn't be (Just) about Pain and Suffering”, **The Journal of legal Studies**, Vol. 37, No. 2, Legal implications of the new research on happiness, The university of Chicago press for the university of Chicago law school, pp195-216, seen at: <http://www.Jstor.org/stable/10.1086>
- Zavos, Harry (2009) “Monetary Damages for non monetary Losses, an Integrated Answer to the Problem of the Meaning, Function, and Calculation of Non Economic”, **Loyola of Los Angeles law Review**, Vol.43, pp.191-272.
- Zipursky, Benjamin C. (2005) “A Theory of Punitive Damages”, **Texas law Review**, Vol. 84, pp.104-171.

د. فرانسه

- Dialigand, Liliane & Loriferne, Dominique & Reynaud, Charles Andre & Roche, Louis (1989) **L'évaluation du dommage corporel éditions Alexandre Lacassagns**, 2 édition
- Lambert-Faivre, Y. (2000) **Droit du dommage corporel**, systèmes d'indemnisation, Dalloz, 4e édition
- Rousseau, C. (1983) **Choix des experts pour l'évaluation des dommages corporels**, R,F,D,C

سایت اینترنتی

<http://www.hemophilia.org.ir/wp-content/.../raye-dadgah-nasiraei-974>